

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دعای مطالعه

«اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ وَ أَكْرِمْنِي بِنُورِ الْفَهْمِ اللَّهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»^۱
(خدایا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و به نور فهم گرامی‌ام بدار. خدایا، درهای رحمت را به روی ما بگشا و خزانه‌های علومت را برایمان باز کن؛ به مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان!)

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای مطالعه.



تقدیم به ارواح قدسی ائمه معصومین علیهم السلام، به ویژه مولا و مقتدای
زمان، حضرت بقیة اللہ الاعظم عند اللہ تعالیٰ؛ شہدای انقلاب اسلامی و دفاع
مقدس؛ مدافعان مظلوم حرم اهل بیت علیهم السلام و زائران آستان ملکوتی امام
علی بن موسی الرضا علیه السلام!

مهمانی خدا

مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان،

مطابق با خطبه پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جمعه آخر ماه شعبان



نویسنده: احمد ضرابی

سرشناسه	: ضرابی، احمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: مهمانی خدا: مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان، مبتنی بر خطبه پیامبر اکرم (ص) و رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره) / نویسنده احمد ضرابی؛ ویراستار محتوایی جواد نشاطی زاده؛ ویراستار زبانی و صورتی زینب السادات حسینی؛ ارزیاب علمی جواد محضی؛ به سفارش معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر	: مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۲ ص: مصور (رنگی).
شابک	: 978-622-6090-89-6
رضاعت فهرست نویسی	: فیبا
پادداشت	: عنوان دیگر با امام در مهمانی خدا؛ مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان مبتنی بر خطبه پیامبر اکرم (ص) و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره).
عنوان دیگر	: مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان، مبتنی بر خطبه پیامبر اکرم (ص) و رهنمودهای حضرت امام خمینی(ره).
عنوان دیگر	: با امام در مهمانی خدا؛ مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان مبتنی بر خطبه پیامبر اکرم (ص) و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره).
موضوع	: روزه (اسلام)
موضوع	: Fasting-- Religious aspects-- Islam
موضوع	: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. - خطبه‌ها
موضوع	: Muhammad, Prophet -- Public speaking
موضوع	: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - دیدگاه درباره رمضان
موضوع	: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI -- Views on Ramadan
موضوع	: رمضان
موضوع	: Ramadan
موضوع	: رمضان -- احادیث
موضوع	: Ramadan -- Hadiths
شناسه افزوده	: نشاطی زاده، جواد، ۱۳۵۷، - ویراستار
شناسه افزوده	: محضی، جواد، ۱۳۳۱، - ناظر
شناسه افزوده	: Mohadesi, Javad
شناسه افزوده	: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات اسلامی
شناسه افزوده	: Astan Qods Razavi, The Islamic Propagation Department
رده بندی کنگره	: BP۱۸۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۵۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۸۱۲۰۵



استان قدس رضوی
معاونت تبلیغات اسلامی

عنوان: مهمانی خدا؛ مراقبات ویژه ماه مبارک رمضان

نویسنده: احمد ضرابی

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

ویراستار محتوایی: جواد نشاطی زاده

ویراستار زبانی و صورتی: زینب سادات حسینی

ارزیاب علمی: حجت الاسلام والمسلمین جواد محضی

طراح جلد: سیدحسن موسی زاده

صفحه آرا: عباس پرچمی

ناشر: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی (زائر رضوی)

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۰۹۰-۸۹-۶

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال (غیرقابل فروش)

نشانی: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، بین باب الهادی علیه السلام و

صحن غدیر، پلاک ۱۸۳، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

سامانه پیامکی دریافت پیشنهادها و انتقادات: ۳۰۰۰۰۸۰۲۲۲۲

حق چاپ محفوظ است.

فهرست



۷۹	همّت به افطاری دادن	۶	مقدمه
۸۳	حُسن خُلُق	۷	اهمیت ماه پُربُرکت رمضان
۸۸	آسان گرفتن به زیردستان	۱۲	دعا به درگاه الهی و مسئلت از او...
۹۱	صله رَحِم	۲۰	دعا برای توفیق روزه‌داری
۹۴	نمازهای مستحبی	۲۴	دعا برای توفیق تلاوت قرآن
۹۷	نمازهای واجب	۳۷	خطر عظیم شقاوت
۱۰۱	بسیار صلوات فرستادن	۴۰	یاد گرسنگی و عطش قیامت
۱۰۴	گشوده بودن ابواب رحمت الهی	۴۴	صدقه دادن به فقرا و مساکین
۱۱۰	بسته بودن ابواب خشم خداوند	۴۹	احترام به بزرگ‌ترها و ترخّم به کوچک‌ترها
۱۱۶	زندانی بودن شیاطین	۵۲	حفظ زبان و چشم و گوش از حرام‌الهی
۱۱۹	دوری و اجتناب از حرام‌های الهی	۵۶	رسیدگی به ایتم
۱۲۴	ولایت؛ جان همه عبادت‌ها	۵۹	توبه از گناهان
۱۳۳	جدول مراقبه	۶۳	بالا بردن دست‌ها هنگام دعا
۱۳۶	فهرست واژگان	۶۶	اهمیت اوقات نماز
۱۳۹	کتابنامه	۷۱	ذکر و استغفار
۱۴۴	مسابقه فرهنگی	۷۵	سجده طولانی



مقدمه

پیک تیزپرواز وحی، جبرئیل امین عَلَيْهِ السَّلَام در آخرین جمعه ماه شعبان از ساحت قدس سرمدی و جوار محبوب ازلی، برای سرور کائنات، رسول ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیغام آورد که مؤمنین را ادب ورود در ضیافت الهی بیاموزد و آن‌ها را از مغتنم‌ترین اوقات زندگی‌شان که همان وقوع در ماه برکت و رحمت و مغفرت است، آگاه سازد تا به وقت درماندگی و حاجت و روز حساب و کتاب، افسوس و حسرت نخورند. آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز در امثال امرولی نعمتش بی تأخیر لحظه‌ای، خطبه‌ای ایراد فرمودند مشتمل بر جمیع مراقبت‌های سرنوشت‌ساز در ماه مبارک رمضان: ماه تقدیر آجال و ارزاق، ماه هدایت و نور، ماه نزول ملائکه، ماه نزول قرآن و ماه همه خوبی‌ها. به راستی، در این زمانه، شرح این همه عظمت را جز از زبان سلاله پاک حضرتش امام خوبان و عاشقان، خمینی عزیز رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از چه کسی می‌توان شنید؟! از این رو شایسته دیدیم ما نیز به قدر درک ضعیف و بی‌مقدار خود، شرح این خطبه شریف را با گزیده‌هایی از سخنان امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ همراه کنیم تا در آیینۀ نفس پاک آن رجل لاهوتی، ان شاء الله کلام وحی را بیشتر فهم کنیم!

احمد ضرابی



۱

اهمیت ماه
پُربرکت رمضان



أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَدُعَاءُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ^۱.

ای مردم، همانا ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت به شما رو کرده است: ماهی که در پیشگاه خدا برترین ماهها، ایامش افضل ایام، شبهایش برترین شبها و ساعات و لحظاتهش بهترین ساعات است. ماهی است که به مهمانی خداوند دعوت شده و از سوی خداوند تکریم شده‌اید. نفس‌هایتان در این ماه تسبیح است و خوابتان عبادت و عملتان مقبول و دعایتان مستجاب.

اهمیت ماه مبارک را به قلب خود برسان

تا اهمیت مطلبی در قلب وارد نشود، ممکن نیست بتوان از همه امکانات و قوای وجودی خود در جهت رسیدن به آن بهره گرفت و با ایمان، سختی‌های راه را به جان خرید؛ از این رو شنیدن سخنانی در اهمیت ماه مبارک رمضان که از قوت ایمان گوینده آن خبر می‌دهد و آهنگ دل نشین و مشفقانه آن، قلب را مهبای زنده شدن می‌کند، مغتنم‌ترین تحفه‌های الهی بعد از کلام معصوم است،

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.





همچون نصایح پدرانۀ معلم الهی و عارف ربّانی، خمینی عزیز رحمته باهم بخشی از فرمایشات این بزرگوار را مرور می‌کنیم:

تا دیر نشده است، در این ماه رمضان، خودتان را اصلاح کنید. ما همه باید خودمان را اصلاح کنیم. ما هیچ کداممان یک آدم حسابی نیستیم. پناه به خدا باید ببریم و خودمان را اصلاح کنیم و با این جریانی که خروشان و دریای موج آدم‌های متعهد است، ما با آن‌ها خودمان را در همان جریان بگذاریم.^۱

شما در این چند روزی که به ماه مبارک رمضان مانده [است]، به فکر باشید؛ خود را اصلاح کرده؛ توجه به حق تعالی پیدا نمایید؛ از کردار و رفتار ناشایسته خود استغفار کنید؛ اگر خدای نخواستہ گناهی مرتکب شده‌اید، قبل از ورود به ماه مبارک رمضان توبه نمایید [و] زبان را به مناجات حق تعالی عادت دهید.

مبادا در ماه مبارک رمضان از شما غیبتی، تهمت‌ی و در خلاصه گناهی سر بزنند و در محضر ربوبی با نَعَم الهی و در هممان سرای باری تعالی، آلوده به معاصی باشید!

شما در این ماه شریف، به ضیافت حق تعالی دعوت شده‌اید: «دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ»^۲ خود را برای هممانی باشکوه حضرت حق آماده سازید. لا اقل به آداب صوری و ظاهری روزه پایبند باشید. [آداب حقیقی باب دیگری است که به زحمت و مراقبت دائم نیاز دارد].^۳

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۱.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.

۳. سیدروح الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۲۵.





باید پیش از فرارسیدن ماه مبارک رمضان، خود را برای صومی که درحقیقت انقطاع و اجتناب از لذات دنیاست [و این اجتناب به طور کامل، همان «انْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ» است]، آماده و مهیا کنند... و کسی که بخواهد روزهٔ ماه مبارک رمضان را با آن آدابی که از او خواسته‌اند، انجام دهد، لازم است انقطاع کامل داشته باشد تا بتواند مراسم و آداب مهمانی را به جا آورد و به مقام میزبان تا آنجا که ممکن است، عارف گردد.^۱

تمام صفات وارستهٔ انسانی، در «انقطاع کامل الی الله» نهفته است و اگر کسی بدان دست یافت، به سعادت بزرگی نائل شده است؛ لیکن با کوچک‌ترین توجه به دنیا، محال است «انْقِطَاعِ إِلَى اللَّهِ»^۲ تحقق یابد.^۳

چگونه اهمیت این ماه را به قلب خود برسانیم یا چه اعمالی را مجرای تذکر این حقیقت به طور مداوم قرار دهیم؟

توصیه‌های عملی

۱. مداومت بر خواندن تعقیبات مشترکه و تدبّر در آن‌ها، خصوصاً دعای «یا عَلِيُّ یا عَظِيمُ»^۴.
۲. تفکر در باب اسرار روزه و ماه مبارک رمضان، از جمله اینکه چگونه روزه انقطاع و اجتناب از لذات است و چرا تمام صفات

۱. سیدروح‌الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۳۷.

۲. بریدگی از متعلقات دنیوی، برای توجه به خداوند (نک: علی بن حسین موسوی (علم‌الهدی)، تنزیه الانبیاء، ص ۵۵).

۳. سیدروح‌الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۳۷.

۴. عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال مشترکهٔ ماه رمضان.





انسانی در انقطاع کامل الی الله نهفته است و [نیز] تقدیرات یک سال در شب‌های قدر چگونه انجام می‌شود و حالات و افعال ما چگونه در آن تأثیر می‌گذارد؟

۳. مطالعه کتاب‌هایی در این زمینه [به طوری که هر روز، مقداری از آن در برنامه قرار گیرد].

۴. شرکت در جلسات بحث علمی و تحقیق در موضوعات گفته شده.



۲

دعا به درگاه
الهی و مسئلت از او



فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِّيَاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ^۱

[حال که ماه، چنین پربركت است] از خداوند با نیت صادق و قلبی پاک درخواست کنید.

حقیقت و مفهوم دعا

حقیقت دعا که همان توجه موجود ناقص به کامل مطلق است برای رفع نقص و احتیاج خود، امری است فطری و جبلی که لازمه آن یأس از غیر حق و قطع طمع از مردم و انقطاع الی الله است. در روایات معصومین علیهم السلام قطع طمع از مردم، مجمع همه خیرات و راه وصول به باب الله و همه برکات شمرده شده است. امام راحل رهبر در این زمینه چنین نصیحت فرموده‌اند:

ای انسان محجوب که در نعمت‌های بی سابقه الهی غرقی و در رحمت‌های رحمانی و رحیمی فرو رفته‌ای و ولی نعمت خود را گم کرده‌ای، اکنون که به حدّ رشد و تمیز رسیده‌ای، به هر حشیشی متشبّث و به هر پای سستی معتمد [می] شوی؟!!

امروز که باید با تفکر در نعمت‌ها و رحمت‌های الهیه دست طلب را از مخلوق ضعیف کوتاه کنی و با نظر به الطاف عامّه و خاصّه حق (جلّ و علا) پای کوشش را از در خانه غیر حق ببری و اعتماد جز به رکن رکین رحمت الهی نکنی، چه شده است که از ولی نعم خود غفلت

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.





کرده و به خود و عمل خود و مخلوق و عمل آن‌ها اعتماد کردی و مرتکب چنین شرکی خفی یا جلی شدی؟! لازم نیست یک دعای طولانی را یک دفعه، باعجله و شتاب بخوانی و تفکر در معانی‌اش نکنی. بنده و شما حال سید سجاد علیه السلام را نداریم که آن دعای مفصل را با حال بخوانیم. شبی یک ربع آن را یک‌ثلاث آن را با حال بخوان و تفکر کن در فقراتش؛ شاید صاحب حال شوی.^۲

حقیقت نیت

نیت عبارت است از تصمیم عزم به اتیان شیء و اجماع نفس بر آوردن آن پس از تصور آن و تصدیق به فائده آن و حکم به لزوم اتیان آن. و آن حالتی است نفسانی و وجدانی که پس از این امور پیدا شود که از آن، تعبیر به همت و تصمیم عزم و اراده و قصد می‌کنیم.^۳

نیت صادق

نیت صادق نیتی خالص از شرک و ریاست:

هیچ چیز در عبادات به اهمیت نیت و تخلیص آن نیست؛ زیرا که نسبت نیت به عبادات، نسبت ارواح به ابدان و نفوس به اجساد است...^۴ و هیچ عبادتی بی نیت خالصه

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۱۰.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۲، حدیث ۱.

۳. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۵۵.

۴. مهدی سلیمانی آشتیانی و محمدحسین درایتی، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.





مقبول درگاه حق تعالی نیست؛ الا آنکه اگر خالص از ریا و شرک ظاهری ملکی نباشد و آن ریایی است که فقها (رضوان الله علیهم) ذکر فرمودند، موجب بطلان و عدم اجزای ظاهر است و اگر خالص از تشریک باطنی نباشد، گرچه به حسب ظاهر شرع و حکم فقهی صحیح و مجزی است؛ ولی به حسب باطن شرع و حقیقت و اسرار عبادات، صحیح نیست و مقبول پیشگاه مقدس نیست.^۱

نیت خالص؛ حقیقت اخلاص

یکی از مهمّات آداب نیت که از مهمّات جمیع عبادات است و از دستورات کلیّه شامله است، اخلاص است و حقیقت آن، تصفیه نمودن عمل است از شائبه غیر خدا و صافی نمودن سرّ است از رؤیت غیر حق تعالی در جمیع اعمال صورتیه و ثبیه و ظاهریّه و باطنیّه و کمال آن، ترک غیر است مطلقاً و پانهادن برانیت و انانیت و غیر و غیریت است یکسره. قال تعالی: «**أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ**»^۲ خدای تعالی اختیار فرموده برای خویش دین خالص را و اگر یکی از حظوظ نفسانیّه و شیطانیه در دین باشد، خالص نخواهد بود و آنچه خالص نیست، حق تعالی اختیار نفرموده [است] و آنچه شائبه غیریت و نفسانیت دارد، از حدود دین حق خارج است.^۳

۱. سیدروح الله خمینی، شرح چهل حدیث (ازربعین حدیث)، ص ۳۲۵، حدیث ۲۰.

۲. (آگاه باشید که دین خالص فقط از آن خداست) (زمر، ۳).

۳. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.





قلب پاک

قلب پاک آن قلبی است که از محبت دنیا و توجه به غیر خدا پاک باشد. در قرآن کریم از چنین قلبی تعبیر به قلب سلیم شده است:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^۱

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرموده‌اند: «قلب سلیم قلبی است که ملاقات کند پروردگار خود را در صورتی که در آن احدی نباشد، غیر از خدا!»^۲ و نیز فرموده‌اند: «قلب سلیم آن است که سالم باشد از محبت دنیا.»^۳

و باید دانست که قلب انسانی، چون سلامت از آفات و عیوب باشد، حق را به فطرت سالمه خود دریابد و پس از دریافت کردن آن، برای آن تسلیم شود و چون تسلیم شد، در اعمال صوریه قلبیه انقیاد کند؛ پس، از قلب سالم تسلیم حاصل شود و از تسلیم قلبی، انقیاد صوری حاصل شود.^۴

جان دعا حکایت نفس و سخن گفتن با خداست که انسان روح و روان خویش را به رب مهربان عرضه می‌کند. دعا اظهار فقر و بندگی به درگاه خدای تعالی است که گاه در قالب الفاظ و جملات صورت می‌گیرد و گاه در نجوای صمیمانه قلبی و این هردو، در صورتی ارزشمند است که با نیتی صادق و قلبی پاک باشد

۱. (در آن روز که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد * مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید!) (شعرا، ۸۸ و ۸۹).

۲. محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۳، ص ۴۶.

۳. سید هاشم بن سلیمان بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۷۵.

۴. سید روح الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۹۷.





و نیت صادق و قلب پاک به معنای نخواستن غیر او و سُکنی ندادن غیر او در قلب است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ.»^۱

توصیه‌های عملی

۱. در هر عملی، نخست از نیت و قصد آن سؤال کنیم و چنانچه مقصود، اصلاح امر آخرت و تحصیل رضای حضرت حق نیست، نیت را تغییر دهیم.

۲. برای پی بردن به نیات قلبی خود در هر عمل، آن را برای چند لحظه در ذهنمان تعطیل کرده و بگوییم انجامش نمی‌دهم؛ بعد توجه کنیم که از انجام ندادن آن، دلمان از چه چیز در هراس و تشویش می‌افتد. چنانچه آن تشویش و نگرانی الهی نبود، نیت خوبی را به جای آن تلقین کنیم.

۳. برای تحقق یأس از غیر خدا و قطع طمع از مردم، با تفکر در نعمت‌ها و رحمت‌های الهی، دست طلبمان را از مخلوق ضعیف کوتاه کنیم.

۴. یک دعای طولانی را یک دفعه و با عجله و شتاب نخوانیم. شبی یک ربع یا یک ثلث آن را با حال بخوانیم و در فقراتش تفکر کنیم.

۵. برای تحقق نیت صادق، در آیات قرآن کریم مانند آیات ۸۸ و ۸۹ سوره مبارکه شعراء: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ و نیز احادیث شریفه تفکر کنیم؛ منظور، تفکر در عاقبت امید به غیر خدا و نتایج آن در دنیا و آخرت است.

۱. (قلب حرم خداوند است. در حرم خداوند، غیر او را ساکن نکن.) (محمد بن محمد بن حیدر شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۸۵).



۳

دعا برای توفیق
روزه‌داری



أَنْ يُؤَفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ!

[با نیات صادق و دل‌های پاک، به درگاه خداوند دعا کنید] که شما را برای روزه‌داری موفق بدارد.

معنای روزه فقط خودداری از خوردن و آشامیدن نیست؛ از معاصی هم باید خودداری کرد؛ بلکه مردان خدا که می‌خواهند به معدن عظمت برسند، باید ترک غیرحقوق کنند در همه مظاهر آن؛ از این رو دعا برای تحقق روزه حقیقی، قبل از حلول ماه و همراه آن و بعد از آن، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد تا سلوک راه حق که جز با پای طلب و اختیار تحقق نمی‌یابد، به برکت آن آغاز شود:

شما اقلأً به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان‌طور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می‌دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی بازدارید. از هم‌اکنون بنا بگذارید که زبان را از غیبت، تهمت، بدگویی و دروغ نگه داشته [و] کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید... اگر با پایان یافتن ماه مبارک رمضان، در اعمال و کردار شما هیچ‌گونه تغییری پدید نیامد و راه و روش شما با قبل از ماه صیام فرقی نکرد، معلوم می‌شود روزه‌ای که از شما خواسته‌اند، محقق نشده است: آنچه انجام داده‌اید، روزه عامه حیوانی بوده است. در این ماه شریف که به مهمان سرای الهی

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.





دعوت شده‌اید، اگر به حق تعالی معرفت پیدا نکردید یا معرفت شما زیادتر نشد، بدانید در «ضیافهٔ الله» درست وارد نشده‌اید و حق ضیافت را به‌جا نیاورده‌اید.^۱ روزه‌داری، فقط به معنای بستن دهان از مأكولات و مشروبات نیست؛ بلکه روزه از یک نظر، نخوردن غذای حیوانی و از نظر دیگر، خوردن غذای روح و آکل و شُرب معنوی است:

﴿وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾^۲

اگر لذت ترک لذت بدانی
دگر لذت نفس، لذت نخوانی

توصیه‌های عملی

۱. به اقلِ خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها اکتفا کردن در وقت افطار و سحر و پرهیز شدید از پرخوری.
۲. تهیهٔ غذاهای ساده برای افطاری و سحری تا وقت بیشتری برای عبادت باقی بماند.
۳. دعا برای توفیق دستیابی به روزهٔ واقعی.
۴. مراقبت و اجتناب از گناهان.
۵. روگردانی از حالات شیطانیِ عُجب، کبر، حسد و سایر رذایل نفسانی.
۶. نبودن در پی لذات حیوانی و سعی در درک لذایذ معنوی یا معاوضه و معاملهٔ لذات حیوانی با لذات معنوی.

۱. سیدروح‌الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۲۶.
۲. (و پروردگارشان شراب طهور به آنان می‌نوشاند) (انسان، ۲۱).



۴

دعا برای توفیق
تلاوت قرآن





أَنْ يُؤْفِقَكُمْ... وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ^۱.

[با نیات صادق و دل‌های پاک، به درگاه خداوند دعا کنید] که شما را برای... و تلاوت کتاب او [یعنی قرآن کریم] موفق بدارد.

کتاب هدایت

قرائت کتاب الهی حقیقتی است عظیم و والا که در مراتب مختلف و به معانی مختلفی تحقق می‌یابد؛ زیرا خدای متعال به خاطر رحمت بر بندگانش، این کتاب شریف را از مقام قدس و قرب خود نازل فرموده و به حسب تناسب با عوالم مختلف، آن را تنزیل داده تا به صورت الفاظ در این عالم درآمده است. مردان خدا در قرائت کتاب الهی از دروازه‌های الفاظ عبور کرده و با بال اندیشه و در سلوک قلبی خود، به سوی حقیقت آن سفر می‌کنند که شرح این سفر معنوی و بیان لطایف آن، محتاج ذکر پاره‌ای از آداب معنوی قرائت قرآن است. در این زمینه، این اوراق را مزین می‌کنیم به بیان فرمایشات امام عارفان از کتاب گران سنگ آداب الصلوة:

بدان که این کتاب شریف، چنان که خود به آن تصریح فرموده [است]، کتاب هدایت و راهنمای سلوک انسانیت و مریی نفوس و شفای امراض قلبیه و نوربخش سیر الی الله است.

بالجمله، خدای تبارک و تعالی به واسطه سعه رحمت بر بندگان، این کتاب شریف را از مقام قرب و قدس خود

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.





نازل فرموده و به حسب تناسب عوالم تنزل داده تا به این عالم ظلمانی و سجن طبیعت رسیده و به کسوت الفاظ و صورت حروف درآمده، برای استخلاص مسجونین در این زندان تاریک دنیا و رهایی مغلولین در زنجیرهای آمال و امانی و رساندن آن‌ها را از حضيض نقص و ضعف و حیوانیت به اوج کمال و قوّت و انسانیت و از مجاورت شیطان به موافقت ملکوتیین، بلکه به وصول به مقام قُرب و حصول مرتبه لقاءالله که اعظم مقاصد و مطالب اهل الله است.

و از این جهت، این کتاب، کتاب دعوت به حق و سعادت است و بیان کیفیت وصول بدین مقام است و مندرجات آن اجمالاً آن چیزی است که در این سیروسلوک الهی مدخلیت دارد و یا اعانت می‌کند سالک و مسافرالی‌الله را...^۱

قاری قرآن باید توجه داشته باشد که همت در قرائت کتاب الهی نباید تنها مصروف به به پایان بردن سوره یا جزء یا ختم آن باشد؛ بلکه باید دست‌یافتن به مقاصد قرآن کریم هدف قرار گیرد. خداوند متعال در کتاب خود نیازمندی‌های جسم و جان انسان را برشمرده و بهترین درمان‌ها را هم معرفی کرده است که مشتمل بر معارف و اسرار انسان و هستی و نیز تعلیم راه سلوک الی‌الله و تزکیه نفس است.

مطلوب در قرائت قرآن کریم آن است که در قلوب، صورت آن نقش بندد و اوامرو نواهی آن تأثیر کند و دعوات

۱. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.





آن جایگزین شود و این مطلوب حاصل نشود؛ مگر آنکه آداب قرائت ملحوظ شود. مقصود از آداب، آن نیست که پیش بعض قراء متداول شده است که تمام هم و همت، منصرف به مخارج الفاظ و تأدیة حروف شود...؛ بلکه مقصود آدابی است که در شریعت مطهره منظور شده است که اعظم و عمده آن‌ها تفکر و تدبر و اعتبار به آیات آن است.^۱

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که قرآن را بسیار قرائت کند و با او عهد تازه کند به مشقت کشیدن در حفظ آن، دواجر به او عطا فرماید.»^۲ و از این حدیث شریف معلوم شود که مطلوب در تلاوت قرآن شریف، آن است که در اعماق قلب انسان تأثیر کند و باطن انسان صورت کلام الهی گردد و از مرتبه ملک به مرتبه تحقق رسد.^۳

آداب قرائت قرآن شریف

۱. ادب تعظیم

باید در مقابل مقام کبریایی قرآن کریم سر تعظیم فرو آورد و در پیشگاه آن، خاضع و خاشع بود؛ چراکه این مائده آسمانی را پروردگار متعال به واسطه جبرئیل امین در بهترین زمان‌ها و بر قلب بهترین انسان‌ها نازل کرده است.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۹۹، حدیث ۲۹.

۲. نک: (إِنَّ الَّذِي يُعَالِجُ الْقُرْآنَ وَ يَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَ قَلْبَهُ حَفِظَ لَهُ أَجْرَانِ) (محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۶۰۶).

۳. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۹۸، حدیث ۲۹.





بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی، یا به عظمت متکلم و کاتب آن است یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است و یا به عظمت نتایج و ثمرات آن است و یا به عظمت رسول و واسطه آن است و یا به عظمت «مُرْسَلُ إِلَيْهِ» و حامل آن است و یا به عظمت حافظ و نگاهبان آن است و یا به عظمت شارح و مبیین آن است و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است... و جمیع این امور که ذکر شد، در این صحیفه نورانیّه به وجه اعلی و اوفی موجود، بلکه از مختصات آن است که کتاب دیگری را در آن یا اصلاً شرکت نیست و یا به جمیع مراتب نیست.^۱

۲. ادب تعلیم

اکنون که مقاصد و مطالب این صحیفه الهیه را دانستی، یک مطلب مهمی را باید در نظرگیری که با توجه به آن، راه استفاده از کتاب شریف بر تو باز شود و ابواب معارف حکم بر قلبت مفتوح گردد و آن، آن است که به کتاب شریف الهی نظر تعلیم داشته باشی و آن را کتاب تعلیم و افاده بدانی و خود را موظف به تعلّم و استفاده بدانی و مقصود ما از تعلیم و تعلّم و افاده و استفاده آن نیست که جهات ادبیّت و نحو و صرف را از آن تعلیم بگیری یا حیث فصاحت و بلاغت و نکات بیانیّه و بدیعیّه از آن فراگیری یا در قصص و حکایات آن، به نظر تاریخی و اطلاع بر اُمم سالفه بنگری: هیچ یک از اینها داخل در مقاصد قرآن

۱. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۸۱.





نیست و از منظور اصلی کتاب الهی به مراحل دور است.^۱... مقصود ما آن است که راه استفاده از این کتاب شریف را که تنها کتاب سلوک الی الله و یکتا کتاب تهذیب نفوس و آداب و سنن الهیه است و بزرگ‌تر، وسیله رابطه بین خالق و خلق و عروة الوثقی و حبل المتین تمسک به عزربوبیت است، باید به روی مردم مفتوح نمود. علما و مفسرین، تفاسیر فارسی و عربی بنویسند و مقصود آن‌ها بیان تعالیم و دستورات عرفانی و اخلاقی و بیان کیفیت ربط مخلوق به خالق و بیان هجرت از «دائر الغرور» به «دائر السُّرُورِ وَالْخُلُودِ» باشد؛ به طوری که در این کتاب شریف به ودیعت گذاشته شده [است].^۲

۳. ادب تفکر

مقصود از تفکر آن است که از آیات شریفه جست‌وجوی مقصد و مقصود کند... عمده در این باب، آن است که انسان بفهمد تفکر ممدوح کدام است؛ و الا در اینکه تفکر در قرآن و حدیث ممدوح است، شک نیست. بهترین تعبیرها از برای آن، آن است که خواجه عبدالله انصاری رحمته می‌کند. قال: «اعْلَمْ أَنَّ التَّفَكُّرَ تَلَمُّسُ البَصِيرَةِ لِإِسْتِدْرَاكِ البُعْيَةِ.»^۳ یعنی تفکر جست‌وجو نمودن بصیرت است که چشم قلب است برای رسیدن به مقصود و نتیجه که غایت کمال، آن است و معلوم است مقصد و مقصود،

۱. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۹۴.

۳. عبدالله بن محمد انصاری، منازل السائرین، ص ۱۸۳.





سعادت مطلقه است که به کمال علمی و عملی حاصل آید.^۱

۴. ادب تطبیق

یکی از آداب مهمه قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفادات بی‌شمار نائل کند، تطبیق است و آن، چنان است که در هر آیه از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد.^۲

پس، وظیفه سالک الی‌الله آن است که خود را به قرآن شریف عرضه دارد و چنانچه میزان در تشخیص صحت و عدم صحت و اعتبار و لا اعتبار حدیث، آن است که آن را به کتاب خدا عرضه دارند و آنچه مخالف آن باشد، باطل و زخرف شمارند، میزان در استقامت و اعوجاج و شقاوت و سعادت، آن است که در میزان کتاب‌الله درست و مستقیم درآید و چنانچه خلق رسول‌الله قرآن است، خلق خود را با قرآن باید متوافق کند تا با خلق ولی کامل نیز مطابق گردد و خلقی که مخالف کتاب‌الله است، زخرف و باطل است.^۳

۱. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۲۰۵.

۳. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.





موانع درک قرآن

۱. حجاب خودبینی

یکی از حجاب‌های بزرگ، حجاب خودبینی است که شخص متعلّم، خود را به واسطهٔ این حجاب، مستغنی بیند و نیازمند به استفاده نماند و این از شاهکارهای مهم شیطان است که همیشه کمالات موهومه را بر انسان جلوه دهد و انسان را به آنچه که دارد، راضی و قانع کند و ماورای آنچه پیش اوست، هرچیز را از چشم او ساقط کند؛ مثلاً اهل تجوید را به همان علم جزئی قانع کند و آن را در نظر آن‌ها جلوه‌های فراوان دهد و دیگر علوم را از نظر آن‌ها بیفکند و حَمَلَةُ قرآن را پیش آن‌ها به خود آن‌ها تطبیق کند و آن‌ها را از فهم کتاب نورانی الهی و استفاده از آن محروم نماید و اصحاب ادبیت را به همان صورت بی مغز راضی کند و تمام شئون قرآن را در همان که پیش آن‌هاست، نمایش دهد و اهل تفاسیر به‌طور معمول را سرگرم کند به وجوه قرائات و آرای مختلفهٔ ارباب لغت و وقت نزول و شأن نزول و مدنی و مکی بودن و تعداد آیات و حروف و امثال این امور و اهل علوم را نیز قانع کند فقط به دانستن فنون دلالات و وجوه احتجاجات و امثال آن؛ حتی فیلسوف و حکیم و عارف اصطلاحی را محبوس کند در حجاب غلیظ اصطلاحات و مفاهیم و امثال آن.





شخص مستفید باید تمام این حجب را خرق کند و از ماورای این حجب به قرآن نظر کند و در هیچ یک این حجاب‌ها توقف نکند که [در این صورت] از قافله سالکان الی‌الله بازماند و از دعوت‌های شیرین الهی محروم می‌شود.^۱

۲. حجاب آرای فاسده و مسالک و مذاهب باطله

این همه آیاتی که راجع به «لقاءالله» و «معرفت‌الله» وارد شده [است] و این همه روایات که در این موضوع است و این همه اشارات و کنایات و صراحتات [را] که در ادعیه و مناجات‌های ائمه علیهم‌السلام موجود است، به مجرد این عقیده که از اشخاص عامی در این میدان، ناشی و منتشر شده که راه معرفت‌الله به کَلِّی مسدود است و باب معرفت‌الله و مشاهده جمال را به باب تفکر در ذات، به آن وجه ممنوع، بلکه ممتنع قیاس نموده‌اند، تأویل و توجیه کنند.^۲

۳. حجاب انحصار تفسیر، به آنچه مفسران گفته‌اند

یکی دیگر از حجب که مانع استفاده از این صحیفه نورانیّه است، اعتقاد به آن است که جز آنچه مفسرین نوشته یا فهمیده‌اند، کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست و تفکر و تدبر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند و به واسطه این رأی فاسد

۱. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۹۷.





و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده‌اند؛ در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد.^۱

۴. حجاب معاصی و گناهان

یکی دیگر از حجب که مانع از فهم قرآن شریف و استفاده از معارف و مواعظ این کتاب آسمانی است، حجاب معاصی و کدورات حاصله از طغیان و سرکشی نسبت به ساحت قدس پروردگار عالمیان است که قلب را حاجب شود از ادراک حقایق.^۲

۵. حجاب حب دنیا

یکی دیگر از حجب غلیظه که پرده ضخیم است بین ما و معارف و مواعظ قرآن، حجاب حب دنیا است که به واسطه آن، قلب تمام هم خود را صرف آن کند و وجهه قلب یکسره دنیاوی شود و قلب به واسطه این محبت، از ذکر خدا غافل شود و از ذکر و مذکور اعراض کند...: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾^{۳، ۴}

۱. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۹۹.

۲. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۲۰۱.

۳. (آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌های آنان قفل‌ها زده شده است؟! (محمد، ۲۴).

۴. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.





توصیه‌های عملی

۱. عرضهٔ ابهامات و شبهات فکری، روحی، اخلاقی و... به قرآن کریم و توجه و دقت کامل در یافتن پاسخ‌های مناسب آن، از میان آیات الهی و تکرار و تذکر آن.
۲. صرف وقت در تعقل دربارهٔ آیاتی که خداوند دعوت به تعقل در آن‌ها کرده است؛ به منظور تأمین نیازمندی‌های جسم و جان، اعم از معارف و اسرار انسان و هستی و تزکیهٔ نفس و فراگیری راه سلوک الی‌الله.
۳. رعایت آداب قرائت، شامل: تعظیم، تعلیم، تطبیق، تفکر، حضور قلب.
۴. پرهیز از موانع فهم قرآن، از جمله: حجاب خودبینی، آرای فاسده، انحصار تفسیر به گفته‌های مفسران، معاصی و گناهان و حب دنیا.



۵

خطر عظیم شقاوت



فَاتِ الشَّقِيَّ مِنْ حُرْمِ غُفْرَاتِ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ!

پس همانا شقی و بدبخت خواهد بود آن که در این ماه عظیم، از
غفران الهی محروم بماند!

واضح است که بر اثر تفضّل الهی که در این ماه پر خیر و برکت
شامل حال بندگان می‌شود، ممکن است با عبادت و اجتناب از
لذات و اعراض از شهوات در این یک ماه، سیاهی و غفلت از آینه
قلب زدوده شود و انصراف از عالم طبیعت و لذات دنیوی حاصل آید
و بنده با احوالی خوش وارد شب قدر شود و مشمول انوار هدایتی
باشد؛ چنان که مؤمنان و اولیا از آن بهره‌مندند؛ اما این خطر
عظیم نیز وجود دارد که با سستی‌ها و تنبلی‌ها و بی‌توجهی‌ها و
بی‌تقوایی‌ها، در صف شقاوت‌مندان قرار گیرد؛ زیرا کسی که با
چنین موقعیت‌فراهمی قادر به تهذیب خود نباشد، در ایام دیگر
نیز حال او معلوم است!

نباید فراموش کنید که در ماه مبارک که «شهر الله»
می‌باشد و درهای رحمت الهی به روی بندگان باز است
و شیاطین و اهریمنان، به حسب روایات، در غل و زنجیر
به سر می‌برند،^۲ اگر شما نتوانید خود را اصلاح و مهذب
نمایید، نفس اماره را تحت مراقبت و کنترل خود در آورید،
هواهای نفسانیّه را زیر پا گذاشته [و] علاقه و ارتباط

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.
۲. «يَا مَعْشَرَ النَّاسِ إِذَا طَلَعَ هَلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غَلَّتْ مَزْدَةُ الشَّيَاطِينِ وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ أَبْوَابُ الْجَنَانِ وَ
أَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَ...» (نک: محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۶۷).





خویش را با دنیا و مادیت قطع کنید، بعد از پایان یافتن شهر صیام مشکل است بتوانید این مسائل را به مرحله عمل درآورید؛ بنابراین، از فرصت استفاده کنید.^۱

آیا این تهدیدی بزرگ نیست؟! چگونه می‌توان از شقاوت و بدبختی به خداوند پناه برد؟ آیا برنامه ترسیم شده از سوی رسول خدا ﷺ آن بزرگ هدایتگر بشر، همان راه حقیقی نجات نیست؟

توصیه‌های عملی

۱. تذکر دائم خطر عظیم شقاوت، در صورت ازدست رفتن فرصت و موقعیت فراهم شده ظاهری و باطنی در ماه مبارک رمضان.
۲. تلاش برای فهم حقیقت شقاوت و شناخت علائم وجود و نتایج سوء آن.
۳. مطالعه احوال اشقیاء در قرآن و تاریخ، به قصد عبرت‌گیری.

۱. سیدروح‌الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۲۶.



۶

یاد گرسنگی
و عطش قیامت



وَأَذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ.^۱
با گرسنگی و تشنگی خویش، به یاد گرسنگی و تشنگی روز
قیامت بیفتید.

در خبر است که عذاب گرسنگی را به دوزخیان مسلط می‌کنند
تا جایی که به ناچار شکم‌های خود را از زقوم پر می‌کنند:
﴿لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زُقُومٍ * فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾^۲
پس از آن، تشنگی را چنان بر آن‌ها چیره کرده و حمیم را برایشان
عرضه می‌کنند که بسیار از آن می‌آشامند: ﴿وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا
فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾^۳ حمیم به گونه‌ای گرم است که اندرون آن‌ها
را ریزه‌ریزه می‌کند. این عذاب‌ها بی‌شک باطن اعمال ایشان در
دنیا است که تشنگی و گرسنگی جان خود را با اعمال ناشایستشان
سیراب می‌کردند؛ ولی اثر آن جز افزوده شدن بر تشنگی و گرسنگی
آن‌ها نبوده است؛ همان‌طور که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «مَثَلُ
الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْبَحْرِ الْمَالِحِ كُلَّمَا شَرِبَ الْعَطْشَانُ مِنْهُ أَزْدَادَ عَطْشًا
حَتَّى يَقْتُلَهُ»^۴ (دنیا همچون دریایی است که آبش تلخ است. تشنه
هراندازه از آن بیاشامد، بر تشنگی‌اش افزوده می‌شود تا اینکه او را
از پای در آورد.)

پیر جماران در نصایح خود آورده‌اند:

ای عزیز، اوضاع عالم آخرت را با این عالم قیاس مکن که
این عالم را گنجایش ظهور یکی از نعمت‌ها و نعمت‌های آن

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.

۲. واقعه، ۵۲ و ۵۳.

۳. محمد، ۱۵.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۶.





عالم نیست. این عالم با همه پهنای آسمان‌ها و عوالمش، گنجایش ظهور پرده‌ای از پرده‌های ملکوت سُفلا که عالم قبر هم از همان است، ندارد؛ چه رسد به ملکوت اعلی که عالم قیامت نمونه آن است و در حدیث مفصّلی که شیخ شهید ثانی (رضوان الله علیه) در مُنیة المرید، از حضرت صدیقهُ کبری عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌فرماید، وارد است که فرمود: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «همانا علمای شیعیان ما محشور می‌شوند و بر آن‌ها خلعت می‌پوشند از خلعت‌های کرامت به قدر کثرت علومشان و جدّیت کردن آن‌ها در ارشاد بندگان خدا؛ حتی آن‌که به بعضی [از] آن‌ها هزار هزار خلعت از نور داده شود تا آنکه می‌فرماید یک رشته از آن خلعت‌ها افضل است از آنچه شمس بر آن طلوع می‌کند، هزارهزار مرتبه!»^۱

این راجع به نعیمش و اما راجع به عذابش جناب فیض حَجَّةُ اللهِ عَلَيْهِ در علم الیقین از مرحوم صدوق حدیث کند که به اسناد خود از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت کند در ضمن حدیثی که جبرئیل به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کرد که: «اگر یک حلقه از آن سلسله‌ای که طولش هفتاد ذراع است، بر دنیا نهاده شود، همانا دنیا ذوب شود از حرارت آن و اگر قطره‌ای از زقوم و ضریع آن بچکد در آب‌های اهل دنیا، می‌میرند اهل آن از گند آن!»^۲

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ غَضَبِ الرَّحْمَنِ!^۳

۱. نک: زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جعی (شهید ثانی)، منیة المرید فی ادب المفید و المستفید، ص ۱۱۵.
۲. محمد محسن فیض کاشانی، علم الیقین فی اصول الدین، ج ۲، ص ۱۲۶۰.
۳. سید روح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۹۶ و ۹۷.





سرای آخرت دیار جان‌هاست و گرسنگی و تشنگی در آن، گرسنگی و تشنگی معنوی است. حقیقت گرسنگی و تشنگی در روح آدمی است که شراب و غذای آن، علم و معرفت و محسنات اخلاق و اعمال بوده و در دنیا در محرومیت بوده است و در یک کلام، جهنمِ او فراق و محرومیت از سرچشمه هستی بخش عالم است و همین، فقر و بی‌چیزیِ اوست.

توصیه‌های عملی

۱. تفکر و مطالعه برای فهم بیشتر سرای آخرت، از قبیل تدبّر در آیات عذاب و مطالعه کتبی که براساس آیات و روایات و احادیث شریفه، به ترسیم زندگی آخرت پرداخته است.
۲. تذکر مداوم، با تکرار آیات مرتبط با عذاب الهی و پناهندگی به حضرت حق (جَلَّتْ عَظَمَتُهُ).
۳. تلاش برای شناخت نفس و روان که روزنه، بلکه دروازه ورود به اسرار و رازورمز عالم غیب است.



۷

صدقه دادن
به فقرا و مساکین

وَتَصَدَّقُوا عَلٰی فُقَرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ!^۱
 و بر فقیران و مساکین خویش صدقه دهید.

آثار صدقه

صدقه در حقیقت خود، جامع بسیاری از فضایل انسانی در دنیا و آخرت است: از اولین ساعات دادن صدقه، برکات آن با انسان همراه است و از او بلایا را دفع می‌کند تا قیامت که صاحب خود را در بهشت و جوار حق (جَلَّ شَأْنُهُ) ملاقات کند. امام خوبان در کتاب اربعین حدیث خود، ضمن تأکید بسیار بر اموری چون جدّ و جهد در صدقه دادن، تلاش برای کثرت بخشیدن به میزان صدقه و پنهانی بودن آن، توجه به رعایت اولویت‌ها و مقدم داشتن خویشان محتاج هنگام صدقه دادن و نیز مبادرت به پرداخت صدقه از محل آنچه انسان به آن علاقه دارد^۲ فرموده‌اند:

مطلوب در صدقه، کثرت آن است و به هر اندازه رسد، اسراف نیست و در حدیث است که حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام سه مرتبه قسمت کرد اموال خود را با فقرا به طور تنصیف؛ حتی اگر دارای دو جفت نعلین بود، یا دو ثوب بود، تنصیف فرمود.^۳ و^۴

در احادیث کثیره وارد است که صدقه مُردن‌های بد

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.

۲. (هرگز به [حقیقت] نیکوکاری نمی‌رسید؛ مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، [در راه خدا] انفاق کنید) (آل عمران، ۹۲).

۳. نک: محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۱.

۴. سید روح الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۹۳، حدیث ۲۹.





را دفع می‌نماید^۱ و روزی را نازل می‌کند^۲ و قرض را ادا می‌کند^۳ و عمر را زیاد می‌کند و هفتاد طور مردنِ بد را دفع کند^۴ و خدای تعالی عوض آن را از ده تا صد هزار عطا فرماید^۵ و اسباب زیادت مال گردد^۶ و در صبح، هر کس صدقه دهد، از بلاهای آسمانی در آن روز ایمن گردد و اگر در اول شب بدهد، از بلاهای آسمانی در آن شب ایمن باشد^۷ و مداوای مریض‌ها با صدقه شود^۸ و اگر کسی اهل بیت مُسلمی را کفایت کند، گرسنگی آن‌ها را رفع کند و بدن آن‌ها را بیوشاند و آبروی آن‌ها را حفظ کند، از هفتاد حج محبوب تر است^۹ ...^{۱۰}

با توجه به اینکه بسیاری از ابعاد انسانیت برای هر فرد، در ارتباط و همدردی او با فقرا و مساکین شکوفا می‌شود، باید تلاش کنیم که حال فقرا را به ویژه در این ماه مبارک بهتر درک کنیم و یار و غم‌خوار آن‌ها باشیم.

-
۱. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۲.
 ۲. نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱.
 ۳. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۹.
 ۴. نک: حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۳۶.
 ۵. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۴۶.
 ۶. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۹.
 ۷. نک: محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل المسائل الشریعة، ج ۹، ص ۳۹۲.
 ۸. نک: احمدبن محمدبن خالد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۴.
 ۹. نک: محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۲، ص ۱۹۵.
 ۱۰. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۹۰، حدیث ۲۹.
-





توصیه‌های عملی

۱. صدقه دادن خالصانه در هر روز از این ماه.
۲. کاستن از غذای افطار و سحر و تصدق آن به فقرا و مساکین.
۳. با اطلاع بودن از احوال فقرا و تلاش برای آگاهی از نیازمندی‌های آنان.
۴. شرکت در فعالیت‌های تشکیلاتی و گروهی، به منظور تأمین نیازمندی‌های فقرا و مساکین.
۵. مطالعه آثار دنیوی و اخروی صدقات.
۶. تأمل فراوان و همیشگی در آیه ۹۲ سوره مبارکه آل عمران: ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ و عمل به آن.





احترام به بزرگ‌ترها و
ترحم به کوچک‌ترها



وَوَقِّرُوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ^۱

بزرگان خویش را محترم بشمارید و به کوچک ترها رحمت و عطف داشته باشید و با خویشاوندان خود مرتبط باشید.

با دقت در سیره و سنت معلمان و پیشوایان بشریت درمی یابیم که حُسن سلوک و معاشرت، از صفات برجسته آن ها بوده است. چه کسی است که پیامبر مُکرم اسلام ﷺ را توصیف کند و صفت تواضع و احترام ایشان در برابر بزرگ ترها و نیز مهربانی شان را در قبال کوچک ترها ذکر نکند؟ کیست که نگوید آن حضرت ﷺ در اظهار احترام و سلام بر همگان حتی کودکان پیشی می گرفتند؟ پیامبر اسلام ﷺ به کودکان توجه بسیار داشتند تا حدی که دایه ای را که کودکش در آغوش پیامبر بول کرده و لباس ایشان را مُلَوَّث کرده بود، این طور مخاطب قرار دادند: «لباس من با آب پاک می شود؛ اما غبار رنجش را [که از تندِ رفتارت به جا گذارده ای]، چه چیزی از قلب این کودک پاک می کند؟!»^۲

با تأسی به چنین پیامبری است که تربیت یافتگان مکتبش همچون امام خمینی رحمته الله علیه وقتی کودکان در مجلس به بازی مشغول اند، می گویند به علت پذیرایی و برای جلوگیری از بر زمین ریختن چای، مانع بازی آن ها نشوند؛ بلکه چای را از سرراه آن ها بردارند و در برابر طلبه هایی که درس خوان بودند، تواضع عجیبی داشتند و هر وقت

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۲. نک: حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۵۵۷.





روضه‌خوان یا مداح اهل بیت علیهم‌السلام یا طلبه‌ای را می‌دیدند، تمام قد بلند می‌شدند و هرگاه یکی از این افراد می‌خواست از نزد ایشان برود، او را بدرقه می‌کردند و سرانجام هم با اصرار مهمان باز می‌گشتند. همین بزرگوار وقتی شنیدند در منزل ایشان به یکی از علمای دینی توهین شده یا غیبت صورت گرفته است، از شدت ناراحتی تب کرده و مریض شدند!

امام راحل رضی الله عنه با همه افراد خانواده گرم و مهربان بودند و به همه اولادشان به یک نظر نگاه می‌کردند و به یک اندازه محبت می‌کردند؛ به طوری که بعد از این همه سال، فرزندان ایشان می‌گویند هنوز متوجه نشده‌اند امام کدام فرزندشان را بیشتر دوست داشتند!

چگونه می‌توانیم به بزرگانی که با آن‌ها سروکار داریم، بیش از پیش احترام بگذاریم؟ در ارتباط با کوچک‌ترها چه کاری از دستان برمی‌آید؟ کدام یک از ارتباطات خویش را لازم است اصلاح کنیم؟

توصیه‌های عملی

۱. دعا برای کسب روحی لطیف و رئوف، به منظور برقراری ارتباطی سالم و به نحو مناسب با خلق، در این ماه.
۲. مطالعه به منظور شناخت حقوق افراد و جدیت در رعایت حال آن‌ها.



۹

حفظ

زبان و چشم و گوش
از حرام الهی



وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَغُضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظْرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَ
عَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ^۱

زبان هایتان را حفظ کنید و چشم هایتان را از آنچه نظر به آن حلال
نیست و گوش هایتان را از آنچه شنیدنش حلال نیست، ببندید.

جهاد اکبر در اسلام غلبه نمودن انسان بر قوای ظاهره خود و آن‌ها
را تحت فرمان خالق درآوردن است. این جهاد از کشته شدن در راه
خدا برتر است و جنگ با شیطان محسوب می‌شود. اولین مرتبه
جهاد اکبر، در طبیعت وجود انسان یا اقالیم سبعة ملکیه او انجام
می‌شود که همان گوش و چشم و زبان و شکم و فرج و دست و
پاست. سلطنت شیطان در مملکت وجود انسان به وسیله قوه
واهمه او خواهد بود که اگر به جای عقل و شرع، وهم بر وجود او
غلبه کرد، هرچه از او سر بزنند، شیطانی بوده و همه وجود او تحت
سلطه شیطان است؛ اما چنانچه عقل و شرع در مملکت وجود
او حاکم شد، همه حرکات و سکنات او الهی شده و عبادت رب
الاریاب محسوب می‌شود. از جمله نصایح امام راحل علیه السلام این است:
شما تصمیم بگیرید لااقل در این یک ماه از خود مراقبت
به عمل آورید: از گفتار و کرداری که خداوند تبارک و تعالی
راضی نیست، اجتناب ورزید. از هم‌اکنون، از همین
مجلس، با خدای خود عهد ببندید که در ماه رمضان از
غیبت، تهمت و بدگویی نسبت به دیگران خودداری

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۳.





کنید. زبان، چشم، دست، گوش و سایر اعضا و جوارح را تحت اراده خود درآورید. اعمال و اقوال خود را مراقبت نمایید؛ شاید همین عمل شایسته موجب گردد که خداوند تبارک و تعالی به شما توجه فرموده، توفیق عنایت کند و پس از سپری شدن شهر صیام که شیاطین از زنجیرها می‌گردند، شما اصلاح شده باشید و دیگر فریب شیطان را نخورید و مهذب گردید. باز تکرار می‌کنم: تصمیم بگیرید در این سی روز ماه مبارک رمضان مراقب زبان، چشم، گوش و همه اعضا و جوارح خود باشید و دائماً متوجه باشید این عملی که می‌خواهید انجام دهید، این سخنی که می‌خواهید بر زبان آورید، این مطلبی که دارید استماع می‌کنید، از نظر شرع چه حکمی دارد؟^۱

در هر حال، وقتی که انسان فرضاً به مقاصد خود برسد، آیا استفاده او چند وقت است؟ آیا قوای جوانی تا چند وقت برقرار است؟ وقتی بهار عمر رو به خزان گذاشت، نشاط از دل و قوه از اعضا می‌رود، ذائقه از کار می‌افتد، طعم‌ها درست ادراک نمی‌شود، چشم و گوش و قوه لمس و قوای دیگر بی‌کاره می‌شوند، لذات به کلی ناقص یا نابود می‌شود، امراض مختلفه هجوم می‌آورد؛ جهاز هضم و جذب و دفع و جهاز تنفس کار خود را نمی‌تواند انجام دهد [و] جز آه سرد و دل‌پدرد و حسرت و ندامت چیزی برای انسان باقی نمی‌ماند! پس مدت استفاده انسان از این قوای جسمانی، از بعد از تمیز و فهم خوب و بد تا زمان

۱. سیدروح‌الله خمینی، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، ص ۲۷.





افتادنِ قوا از کار یا ناقص شدن آن‌ها، بیش از سی‌چهل سال برای مردم قوی‌البنیه و صحیح و سالم نیست و آن‌هم در صورتی که به امراض و گرفتاری‌های دیگر که همه‌روزه می‌بینیم و غافل هستیم، بر نخورد.^۱

کدام‌یک از سخنان ما باید اصلاح شود و در کدام‌یک از آنچه دیده‌ایم، احتمال حرمت می‌دهیم؟ گوشمان را از چه بیندیم؟ آیا پیدا نمی‌شود صحنه‌هایی که ما به آن می‌نگریم و مطالبی که می‌شنویم، ولی حضرت حق از دیدن و شنیدن آن‌ها رضایت ندارد؟!

توصیه‌های عملی

۱. تصمیم جدی بر اینکه لااقل در این یک ماه، از ما گناهی سر نزنند و عهدبستن با خدا در این زمینه.
۲. کنترل زبان و قراردادن آن در اختیار عقل و شرع، لااقل در این یک ماه تا مجرای خیرات در بین خلق باشد، نه منشأ شرور.
۳. توجه به تقوای چشم و گوش و زبان که منشأ خَلق چشم و گوش و زبان باطنی و اخروی ماست.
۴. توجه و یاد بسیار از فنای لَدَات و بقای تبعات آن و آه سرد و دل پردرد و حسرت و ندامت بی حاصل ناشی از آن‌ها.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۰، حدیث ۱.



۱۰

رسیدگی به ایتام



وَتَحَنَّنُوا عَلَىٰ آيَاتِمِ النَّاسِ يُتَحَنَّنْ عَلَىٰ آيَاتِكُمْ^۱

با یتیمان مردم مهربانی کنید تا با یتیمان شما مهربانی کنند.

فرزندان یتیم، به ویژه فرزندان شهدا، حق عظیمی برگردن جامعه دارند و مسلمانان باید فرزندان یتیم را مثل فرزندان خودشان دوست بدارند. از نزدیکان امام راحل علیه السلام نقل شده است که گاهی در مواقعی که امام استراحت می‌کردند، بعضی از فرزندان یا خانواده‌های شهدا را به اتاق ایشان می‌بردند. امام بلند می‌شدند و به فرزندان شهدا تفقد و مهربانی می‌کردند و به آن‌ها انعام می‌دادند. آن بزرگوار درباره تربیت اطفال، به ویژه فرزندان شهدا می‌فرمودند:

باید دانست که تربیت یک طفل را نباید فقط یکی محسوب داشت و همین‌طور سوء تربیت و سهل‌انگاری درباره یک طفل را نباید یکی حساب نمود. چه بسا که به تربیت یک طفل، یک جمعیت کثیر، بلکه یک ملت و یک مملکت اصلاح شود و به فساد یک نفر، یک مملکت و ملت فاسد شود.^۲

مانند شمع کم فروغی نباشیم که دامنه روشنایی نور آن فقط نفسانیت خودمان را در بر می‌گیرد. بیاییم از ائمه معصومین علیهم السلام درس بگیریم تا جنبه‌های مختلف انسانیت و معرفت در وجودمان بجوشد و مانند آن بزرگواران ایتم را فرزندان خود بدانیم.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۴.





توصیه‌های عملی

۱. سعی و تلاش در یافتن مجرای خدمت به ایتام و سرپرستی آن‌ها.
۲. چشیدن حال معنوی حاصل از نوازش یتیمان و درک رأفت و مهربانی خداوند با مبادرت به این‌گونه امور.
۳. اختصاص قسمتی از اوقات خود در راه ارائه خدمات به ایتام.



۱۱

توبه از گناهان



وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ^۱

از گناهانتان به سوی خداوند توبه کنید.

حقیقت توبه به معنای بازگشت به سوی خدا، از قلب شروع می‌شود و با اندوه و تأسف و ندامت و پشیمانی از گذشته شکل می‌گیرد و با غیرت و عزم و جدیت و تلاش برای حفظ فرصت باقی‌مانده در آینده و بازنگشتن به گناهان قوّت گرفته و کمر راست می‌کند. توشه مهم این سفر الهی در ایام جوانی، صفای فطرت و در پیری، پرفروغ نگه‌داشتن نور امید به رحمت خداوند است.

پس بر جوان‌ها حتم و لازم است که تا فرصت جوانی و صفای باطنی و فطرت اصلی باقی و دست‌نخورده است، در صدد تصفیه و تزکیه برآیند و ریشه‌های اخلاق فاسده و اوصاف ظلمانیّه را از قلوب خود بَرکنند که با بودن یکی از اخلاق زشت ناهنجار، سعادت انسان در خطر عظیم است.

و نیز در ایام جوانی، اراده و تصمیم انسان، جوان است و محکم؛ از این جهت نیز اصلاح برای انسان آسان‌تر است؛ ولی در پیری، اراده سست و تصمیم پیراست [و] چیره‌شدن بر قوا مشکل‌تر است؛ ولی پیران نیز نباید از اصلاح نفس و تزکیه آن غفلت کنند و مایوس شوند؛ زیرا

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.





که باز هرچه هست، تا انسان در این عالم است که دار
تبدل و تغییر و منزل هیولی و استعداد است، انسان با هر
زحمت هم هست، خود را می‌تواند اصلاح کند و امراض
مزمئه نفسانیّه به هر درجه هم برسد از استحکام، باز
می‌توان قلع ماده نمود و هیچ مرضی از امراض نفسانیّه
نیست، الا آنکه آن را تا در این عالم است، انسان می‌تواند
اصلاح کند؛ گرچه در نفس ریشه کرده باشد و ملکه
شده باشد و مستحکم گردیده باشد.^۱

بدان که از برای توبه کامله، ارکان و شرایطی است که
تا آن‌ها محقق نشود، توبه صحیحه حاصل نشود و ما به
ذکر عمده آن‌ها که لازم است، می‌پردازیم.

یکی از آن‌ها که رکن رکین اوست، ندامت و پشیمانی
است از گناهان و تقصیرات گذشته و دیگر، عزم بر
برگشت نمودن بر آن است همیشه و این دو در حقیقت،
محقق اصل حقیقت توبه و به منزله مقومات ذاتیه آن است
و عمده در این باب، تحصیل این مقام و تحقق به این
حقیقت است و آن، چنان صورت پذیرد که انسان متذکر
تأثیر معاصی در روح و تبعات آن در عالم برزخ و قیامت
بشود، از وجه معقول و منقول؛ چنان که پیش اصحاب
معرفت مبرهن و در اخبار اهل بیت علیهم‌السلام وارد است
که از برای معاصی در عالم برزخ و قیامت صورت‌هایی
است به مناسبت آن‌ها که در آن عالم، دارای حیات و
اراده هستند و انسان را از روی شعور و اراده، عذاب و آزار

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.



می‌نمایند؛ چنان‌که آتش جهنم نیز از روی شعور و اراده انسان را می‌سوزاند؛ زیرا که آن نشئه، نشئه حیات است.^۱ مانع اصلی سیر انسان به سوی کمالات و شکوفایی استعدادهای انسان، گناهان اوست که عین مخالفت با مبدأ مهربان و ربّ رحیم است و ماه مبارک رمضان در واقع واقع، فرصتی است برای تطهیر خود؛ اما به یک نظر، این گذشته‌ها نیست که مانع سعادت است؛ بلکه مانع اصلی آینده و بنای او بر تکرار اعمال بد خود در آینده است؛ زیرا اگر تصمیم خود را برای آینده قطعی کند و صادق باشد، گذشته مشمول مغفرت الهی خواهد بود؛ زیرا حقیقت توبه همین تصمیم جدی بر بازنگشتن به گناهان است.

توصیه‌های عملی

۱. تقویت حسرت و پشیمانی از گناهان به وسیله مطالعه و تحقیق در آثار دنیوی و اخروی گناهان و یادآوری مستمر آنچه دانسته و تذکر و توجه مداوم به مانعیت عظیم گناهان در سیر به سوی حق تعالی.
۲. جدّیت در از دست ندادن فرصت‌ها برای جبران گذشته.
۳. توجه تفصیلی به گذشته خود و به خاطر آوردن گناهانی که بدون توبه و پشیمانی از آن‌ها، در واقع توبه حقیقی نکرده است.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۷۵، حدیث ۱۷.



۱۲

بالا بردن دست‌ها
هنگام دعا



وَأَرْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالذُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ^۱

در اوقات نمازتان دست‌های خویش را به دعا بلند کنید.

همان‌گونه که در سخن گفتن، «ما فی الضمیر» خود را اظهار می‌کنیم و کلمات، هریک علامت‌هایی برای انجام این مقصود هستند، حالات مختلف بدن نیز هرکدام به نحوی خاص از مقاصد و نیات ما خبر می‌دهند و این درحقیقت نوع دیگری از سخن گفتن است؛ بنابراین همه حالات ظاهری بدن می‌باید مطابق آداب هر عبادتی انجام گیرد؛ و الا با هر حرکت ناهماهنگ، معنای آن تغییر کرده و از منظور دیگری حکایت می‌کند؛ مثلاً معنای بالا بردن دست‌ها در حال تکبیر و قنوت و دعای بعد از نماز، غیر از معنای مشترک کف خالی و اظهار فقر است. بالا بردن دست‌ها در حال تکبیر، فقر و عجز از ادای حق عبادت و در قنوت، دست‌شستن از غیر حق و اقبال تام به او را می‌رساند. از دعای بعد از نماز که در آن حال، دست‌ها بالاتر از سر و رو به سوی آسمان قرار می‌گیرد نیز، معنای الحاح و اصرار در دعا فهمیده می‌شود.

ای عزیز، قنوت دست‌شستن از غیر حق و اقبال تام به عزّ ربوبیت پیدا کردن است و کف خالی و سؤال به جانب غنی مطلق دراز نمودن است و در این حال انقطاع، از بطن و فرج سخن‌راندن و از دنیا یاد کردن، کمال نقصان و تمام خسران است.^۲

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۲. سید روح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۷۵.





می‌دانیم که خداوند به آسمان، نزدیک‌تر از زمین نیست؛ ولی آسمان سنبل مراتب عالی وجود است که در دعاها باید آن را محور توجه خویش قرار داد و راهی که انسان در پیش دارد، ترک حالات و شئون زمینی و آسمانی شدن است و بالابردن دست‌ها در هنگام دعا می‌تواند اشاره‌ی ظاهری به این حقیقت باشد.

توصیه‌های عملی

۱. کوشابودن در حفظ حالت اصرار و الحاح که یک جلوه‌ی آن بالابردن دست‌ها هنگام دعاست؛ زیرا حقیقتِ دعا خواست قلبی بوده و اصرار در دعای خیر، از عمق قلبی این خواست خبر می‌دهد.
۲. شناخت حالت شیطانی تکبر و خودبزرگ‌بینی که از موانع اصلی اظهار خضوع و ذلت در برابر پروردگار است و تلاش برای دور کردن آن از خود.
۳. تأمل و تدبّر در این حقیقت که مقامات اولیا و انبیای عظام علیهم‌السلام به اندازه‌ی مقدار تذلل آن‌ها در برابر حضرت حق (جَلَّ شَأْنُهُ) تحقق یافته است.



۱۳

اهمیت اوقات نماز



فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يُنْظَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ
يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلَبِّيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَيَسْتَجِيبُ
لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ.^۱

پس همانا ساعات نماز برترین ساعاتی است که خداوند عز و جل در آن ساعات با نظر رحمت به بندگانش توجه می‌کند: هنگامی که بندگان در آن لحظات مناجات می‌کنند، به مناجات آن‌ها پاسخ می‌دهد، ندایشان را لیبیک می‌گوید، درخواست آن‌ها را برآورده و دعایشان را مستجاب می‌کند.

اگر بنده بداند هر سعادت و شقاوت و هر رنج و راحت و هر نعمت و نعمتی که به او می‌رسد، از جانب خداوند به واسطه حقیقتی است که در نماز ایجاد و انشاء می‌کند و میزان قبولی هر عمل دیگر او نیز بستگی تام و تمام به نماز او دارد، شایسته است هر فشار و سختی را تحمل کند تا آنچه را مرضی حضرت حق است، در نماز تحقق بخشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد: «إِنَّ قُبُلَتُ قِبَلِ مَا سِوَاهَا وَإِنَّ رُذَّتَ رُذَّمَا سِوَاهَا»^۲

ای ضعیف، آداب قلبیه اوقات آن است که خود را مهیا کنی برای ورود به حضور مالک دنیا و آخرت و مخاطبه و مکالمه با حضرت حق (جل و علا)؛ پس، با نظری، توجه به ضعف و بیچارگی و ذلت و بی‌نوایی خود کن و عظمت

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.
۲. (اگر نماز پذیرفته شد، سایر اعمال پذیرفته می‌شود و اگر رد شد، کارهای دیگر نیز رد می‌شود). (علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، فلاح السائل، ص ۱۲۷).





و بزرگی و جلال و کبریای ذات مقدس (جَلَّتْ عَظَمَتُهُ) که انبیای مرسلین و ملائکه مقررین در بارگاه عظمتش از خود بی خود شوند و اعتراف به عجز و مسکنت و ذلت کنند و چون این نظر را کردی و به دل فهماندی، دل، استشعار خوف کند و خود و عبادات خود را ناچیز شمارد و با نظری، توجه به سعۀ رحمت و کمال عطوفت و احاطۀ رحمانیت آن ذات مقدس کن که بنده ضعیفی را به بارگاه قدس خود با همه آلودگی و بیچارگی که دارد، بار داده و او را با همه تشریفات فرورستان فرشتگان و نازل نمودن کتاب‌های آسمانی و فرستادن انبیای مرسلین علیهم‌السلام دعوت به مجلس انس خود فرموده [است]، بدون آنکه سابقۀ استعدادی از برای ممکن بیچاره باشد یا در این دعوت و حضور، برای حضرتش، نَعُوذُ بِاللَّهِ، یا [برای] ملائکه الله و انبیا علیهم‌السلام سودی تصوّر بشود. البته قلب را با این توجه آنسی حاصل شود و استشعار رجاء و امیدواری می‌کند. پس با قدم خوف و رجاء و رغبت و رهبت، خود را مهبیای حضور کن و عِدّه و عُدّه حضور را مهیا کن که عمده آن، آن است که با قلب خجل و دل وَجَل و استشعار انکسار و ذلت و ضعف و بیچارگی، وارد محضر شوی و خود را به هیچ وجه لایق محضر ندانی و لایق عبادت و عبودیت نشماری و اذن دخول در عبادت و عبودیت را فقط از شمول رحمت و عمیم لطف حضرت احدیت (جَلَّتْ قُدْرَتُهُ) بدانی که اگر ذلت خود را نصب عین خود کردی و به جان و دل، تواضع برای ذات مقدس حق نمودی و خود و عبودیت خود را ناچیز و بی ارزش





دانستی، حق تعالی با تو تَلَطَّف فرماید و تو را مرتفع کند و به کرامات خود مَخْلَع فرماید.^۱

مانیز اگر قدری تفکر کنیم و به قلب محبوبِ مهجور خود بفهمانیم که اوقات صلوات، اوقات حضور در بارگاه قدس حضرت ذی‌الجلال است [و] اوقاتی است که حق تعالی که مالک‌الملوک و عظیم مطلق است، بندهٔ ضعیف ناچیز را به مناجات خود دعوت فرموده و به دارالکرامهٔ خود اذن دخول داده تا فوز به سعادت‌های ابدی و سرور و بهجت‌های دائمی پیدا کند، از دخول وقت صلاة به مقدار معرفت خود بهجت و سُرور داشتیم و اگر قلب، استشعار عظمت و خطر مقام کند، به مقدار فهم عظمت، خوف و خشیت حاصل می‌شود.^۲

ای عزیز! تو نیز به قدر میسور و مقدار مقدور، این وقت مناجات را غنیمت شمار و به آداب قلبیهٔ آن قیام کن و به قلب خود بفهمان که مایهٔ حیات ابدیِ اخروی و سرچشمهٔ فضائل نفسانیه و رأس‌المال کرامات غیرمتناهی، به مرادت و مؤانست با حق است و مناجات با او.^۳

آیا می‌دانید که نماز بسان آیینی‌ای است که تصویر معنوی حقیقت انسان را نمایش می‌دهد و اگر خدای نکرده در طول روز، غافل از محبوب حقیقی باشیم، منجر به بی‌حالی در نماز و فقدان حضور قلب در این لحظات عالی خواهد شد!؟

۱. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۱۲.

۳. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۱۱.





توصیه‌های عملی

۱. سعی در ترک حالت غفلت در تمام ساعات شبانه‌روز: ﴿وَأذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُوتَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾^۱ (و یاد کن پروردگارت را در نفس خویش، از روی بیم و زاری و در پنهان، نه آشکارا، در صبح و شام و مباش از بی خبران.)
۲. داشتن حالت استقبال و انتظار در اوقات نماز.
۳. تکرار اهمیت نماز و جایگاه ممتاز آن در تعیین سعادت و شقاوت برای خود و تفهیم آن به قلب.
۴. به جا آوردن آداب قلبی نماز یعنی حضور، خشوع، طمأنینه، نشاط و...، حتی اگر ناچار بودیم، با تکلف تا با تمرین این حالت‌ها، بُعِدِ الْهِيَ حَقِيقَتِ أَنْ، در ما تحقّق یابد؛ چراکه رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «مَنْ كَثَبَهُ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»^۲.

۱. اعراف، ۲۰۵.

۲. (هرکه خود را به گروهی شبیه کند، پس، از ایشان است) (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۳۷).



١٤

ذڪرو استغفار



أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّوا
بِاسْتِغْفَارِكُمْ.^۱

ای مردم، شما در گرو اعمالتان هستید؛ پس خود را با استغفار آزاد کنید.

چشم بینای قلوب اهل معرفت، صورت ملکوتی ندامت را که همان ستون میانی خیمه استغفار است، به صورت آتش فروزانی مشاهده می‌کند که لهیب زیانه‌های آن، افسوس و اندوهی است فراگیر و آن چنان گناهان و آثار پلید آن را در خود می‌سوزاند که برای آتش جهنم و عذاب آخرت چیزی باقی نمی‌ماند:

باید انسان بکوشد تا آنکه صورت ندامت را در دل قوت دهد تا ان شاء الله به بیت «احتراق» وارد شود و آن چنان است که به واسطه تفکر در تبعات و آثار موحشه معاصی، ندامت را در دل قوت دهد و نمونه ﴿نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ﴾^۲ را خود، به اختیار خود، در دل خود روشن کند و قلب را به آتش ندامت محترق کند تا آنکه همه معاصی از آن آتش بسوزد و کدورت و زنگار قلب مرتفع شود. بداند که اگر این آتش [را] در این عالم، خود برای خود روشن نکند و این در جهنم را که خود باب الابواب بهشت است، به روی خود مفتوح نکند، از این عالم که منتقل شد، ناچار در آن عالم، آتش سخت سوزناکی برای او تهیه

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۲. همزه، ۶.





شود و ابواب جهنم به روی او باز گردد و ابواب بهشت و رحمت به روی او مُنسد گردد.

خداوند! سینه سوزناکی به ما عنایت فرما و از آتش ندامت، جذوه ندامت در قلب ما بیفکن و آن را به این آتش دنیایی بسوزان و کدورت قلبیه ما را برطرف فرما و ما را از این عالم، بی تبعات معاصی ببر: «أَنْتَكَ وَلِيُّ التَّعَمَّرِ وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱.

جناب سید جلیل القدر، السید الرضی رضی الله عنه، در نهج البلاغه روایت فرمود که: «همانا گوینده ای در محضر حضرت امیر علیه السلام گفت: 'استغفر الله'. پس فرمود به او: 'مادرت در عزایت گریه کناد! آیا می دانی چیست استغفار؟ همانا استغفار درجه علیین است و آن اسمی است که واقع می شود برشش معنی: اول آن ها پشیمانی بر گذشته است؛ دوم، عزم بر برگشت نمودن است به سوی آن، همیشگی؛ سوم، ادا کنی به سوی مخلوق حق آن ها را تا ملاقات کنی خدای سبحان را پاکیزه که نبوده باشد بر تو دنباله ای [یعنی حقی از کسی به عهده تو نباشد]؛ چهارم، آنکه روی آوری به سوی هر فریضه که بر تو است که ضایع کردی آن را، پس ادا کنی حق آن را؛ پنجم، روی آوری به سوی گوشتی که روییده شده است بر حرام، پس آب کنی آن را به اندوه ها تا بچسبد گوشت به استخوان و روییده شود بین آن ها گوشت تازه؛ ششم، آنکه بچشانی جسم را درد فرمان برداری، چنان که

۱. سیدروح الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۷۶ و ۲۷۷، حدیث ۱۷.



چشاندی آن را شیرینی نافرمانی...»^۱
ای عزیز، مبادا شیطان و نفس اماره وارد شوند بر تو و
سوسه نمایند و مطلب را بزرگ نمایش دهند و تو را از
توبه منصرف کنند و کار تو را یکسره نمایند!^۲
امام سجاد علیه السلام چون ماه رمضان داخل می شد، تکلم نمی فرمودند،
مگر به دعا و تسبیح و استغفار و تکبیر.^۳

توصیه های عملی

۱. استغفار کردن در قالب نمازهای نافله شب، یعنی شفع و وتر.
۲. انس با حالت استغفار و طلب توبه از حق تعالی در طول روز.
۳. گفتن ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْ لِي»
در وقت افطار و هنگام تناول لقمه اول.^۴
۴. تقویت حالت ندامت از لغزش ها در خود، به واسطه تفکر در آثار
سوء دنیایی و اخروی آن ها و به طور کلی تلاش در جهت تحقق
مرحله اصلی استغفار مطابق فرمایش امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

۱. نک: علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷.

۲. سیدروح الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۷۷ و ۲۷۸، حدیث ۱۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۴، ص ۸۸ و ۸۹.

۴. محمد بن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱۰، ص ۱۴۹.



۱۵

سجدہ طولانی



و ظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَقِّفُوا عَنْهَا بِطُولِ سُجُودِكُمْ
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ
وَ السَّاجِدِينَ وَ أَنْ لَا يُرَوِّعَهُمْ بِالنَّارِ ﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

ای مردم، پشت شما از وزر و وبال گناهانتان سنگین شده است؛ پس با سجده‌های طولانی خود، آن‌ها را سبک کنید و بدانید که خدای متعال به عزت و جلالش قسم یاد فرموده است که نمازگزاران و سجده‌کنندگان را عذاب نکند و آن‌ها را در روز قیامت به نعره جهنم نترساند: «روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.»

سجده طولانی سنت و سیره اوّابین و نشان بندگی بر پیشانی‌های به خاک ساییده و زینت پرتلاؤ سیمای بهشتیان در آخرت است؛ از این رو برای آنان که معرفت و انس و محبت به ذات مقدس رب العالمین قلبشان را به خود متوجه ساخته است، این اعمال زحمت و مشقت ندارد و موجب ملالت نخواهد شد:

از بعضی اهل ذکر و معرفت منقول است که در هر شب و روزی، یک مرتبه در سجده رفتن و بسیار گفتن:
﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^۲
^۳ برای ترقیات روحی خوب است و از بعضی سالکان راه

۱. مطلقین، ۶.

۲. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۳. (خداوند)، جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم! (انبیاء، ۸۷).





آخرت نقل فرموده که چون از حضرت استاد خود فایدهٔ این عمل را شنید، در هر شب و روزی، یک مرتبه سجده می‌رفت و هزار مرتبه، این ذکر شریف را می‌گفت و از بعضی دیگر نقل نموده که سه هزار مرتبه می‌گفت و از حضرت زین العابدین و سیدالسادین، علی بن حسین علیهما السلام منقول است که سنگ خشن زبری را ملاحظه فرمود، سر مبارک را بر آن نهاد و سجده نمود و گریه کرد و هزار مرتبه گفت: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا» و [نیز] سجده‌های طولانی حضرت مولای ما، موسی بن جعفر علیه السلام معروف است.^{۳ و ۲}

در حدیث شریف، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به خدا قسم، زیان نبیند کسی که حقیقت سجده را به جای آورد، ولو در عمر، یک مرتبه و روی رستگاری نبیند کسی که در این حال که ترک غیراست، با حق خلوت کند، ولی شبیه به خدعه‌کنندگان باشد که صورتاً در خلوت و انس است، ولی حقیقتاً غافل از حق و از آنچه خدای تعالی برای ساجدان مهیا فرموده [است] که آن انس با حق است در این عالم و راحت است در آن عالم.»^{۴ و ۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در تعلیم مردی عرب که آرزوی محشورشدن با

۱. محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۶، ص ۳۸۲.

۲. نک: محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۱۶.

۳. سیدروح الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۲۵.

۴. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۹۱.

۵. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۵۸.





آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را داشت، فرمودند اگر می‌خواهد با آن حضرت محشور شود، راهش این است که سجده‌هایش را طولانی کند.^۱

توصیه‌های عملی

۱. طولانی‌تر کردن سجده‌های شکر بعد از نمازهای واجب.
۲. مداومت به ذکر یونسیه، یعنی بخشی از آیه ۸۷ سوره مبارکه انبیاء: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ و ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا...» در سجده‌ها و ساعاتی که آمادگی قلبی و فکری وجود دارد.
۳. توجه و تأمل در حقیقت سجده و اسرار آن و مطالعه کتاب‌هایی که در این زمینه تحقیقات خوبی ارائه کرده‌اند.

۱. نک: حسن بن محمد دیلمی، غُزْرُ الْأَخْبَارِ وَ دُزْرِ الْأَثَارِ فِي مَنَاقِبِ أَبِي الْإِثْمَةِ الْأَطْهَارِ، ص ۳۷۶.



۱۶

همّت به
افطاری دادن



أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَّرَ مِنْكُمْ صَائِماً مُؤْمِناً فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ نَسَمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَيْسَ كُنَّا يَقْدِرُ عَلَيَّ ذَلِكَ فَقَالَ ﷺ ائْتَقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ!

ای مردم، بدانید هرکس از شما در این ماه، به روزه‌دار مؤمنی افطار دهد، این عملش در نزد خداوند معادل آزاد کردن بنده‌ای و پاک شدن گناهان گذشته اوست. گفته شد: «ای رسول خدا، ما همه قادر به انجام این عمل نیستیم!» پیامبر ﷺ فرمودند: «از آتش کناره بگیرید؛ ولو با نیمی از خرما، از آتش کناره بگیرید؛ ولو با جرعه‌ای آب!»

در روزهای عادی و غیر از ماه مبارک رمضان، اطعام مؤمنان عملی بسیار پسندیده و موجب اجر فراوان اخروی خواهد بود؛ اما افطاری دادن به روزه‌داران از ابعاد دیگری برخوردار است که صورت ملکوتی آن، کناره گرفتن از آتش و آزاد کردن بندگان و مزین شدن روح به خصال بارز انسانیت است؛ آن هم در ابعادی که از ادراک امثال ما خارج است. چه خوب است نصیحت امام راحل علیه السلام همیشه آویزه گوشمان باشد:

پسرم، ما که عاجز از شکر او و نعمت‌های بی‌منتهای او ییم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آن‌ها خدمت به حق است؛

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.





چه که همه از اویند. هیچ‌گاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار بدان که آنان بحق، منت بر ما دارند که وسیله خدمت به او جل و علا هستند و در خدمت به آنان دنبال کسب شهرت و محبوبیت مباش که این خود، حیلۀ شیطان است که ما را در کام خود فرو برد و در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پرنفع‌تر است، انتخاب کن، نه آنچه برای خود یا دوستان خود که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل و علاست.

پسر عزیزم، خداوند حاضر است و عالم محضر اوست و صفحه نفس ماها یکی از نامه‌های اعمالمان. سعی کن هر شغل و عمل که تو را به او نزدیک‌تر کند، انتخاب کن که آن رضای او جل و علاست. در دل به من اشکال مکن که «اگر صادقی، چرا خود چنین نیستی؟» [چرا] که من خود می‌دانم که به هیچ‌یک از صفات اهل دل موصوف نیستم و خوف آن دارم که این قلم شکسته در خدمت ابلیس و نفس خبیث باشد و فردا از من مؤاخذه شود؛ لکن اصل مطالب حق است؛ اگرچه به قلم مثل منی [باشد] که از خصلت‌های شیطانی دور نیستم.

و به خدای تعالی در این نفس‌های آخر پناه می‌برم و از اولیای او جل و علا امید دستگیری و شفاعت دارم! بارالها، تو خود از این پیر ناتوان و احمد جوان دستگیری کن و عاقبت ما را ختم به خیر فرما و با رحمت و واسعۀ خود، ما را به بارگاه جلال و جمال خود راهی ده!^۱

۱. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.





توصیه‌های عملی

۱. نوشتن برنامه‌ای برای افطاری دادن در روزهایی معین و توجه به این نکته که خودِ قصدِ این عمل هم نزد خداوند بی‌ثواب نخواهد بود.
۲. قصد تقرب در افطاری دادن و خالص کردن این امور از شئون نفسانی.



١٧

حُسْنُ خُلُقٍ



أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَهُ كَانَ لَهُ
جَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَنَزَّلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ!^۱

ای مردم، بدانید کسی که در این ماه، اخلاق خویش را نیکو سازد، جواز عبور از صراط را در روزی که قدم‌ها بر آن می‌لرزد، خواهد گرفت.

مهارت‌های عملی در اخلاق

مجاهدت‌های علمی در شناخت محاسن و رذایل اخلاق و آثار و تبعات دنیوی و اخروی هرکدام از یک سو و مجاهدت‌های عملی و کسب مهارت‌هایی که جز از طریق اقدام به عمل و تجربه در میدان عمل و پنجه‌درپنجه‌افکندن با مشکلات آن حاصل نمی‌شود، از سوی دیگر، مکمل سیر در طریق تهذیب و خودسازی است؛ اما جرئت و جسارت و توفیق در عمل، نیازمند توجه به این نکته اساسی است:

بهترین علاج‌ها که علمای اخلاق و اهل سلوک از برای این مفاصد اخلاقی فرموده‌اند، این است که هر یک از این مَلَکات زشت را که در خود می‌بینی، در نظر بگیری و برخلاف آن تا چندی مردانه قیام و اقدام کنی و همت بگماری بر خلاف نفس تا مدتی و برضد خواهش آن رذیله رفتار کنی و از خدای تعالی در هر حال

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.





توفیق طلب کنی که با تو اعانت کند در این مجاهده. مسلماً بعد از مدت خیلی، آن خُلق زشت رفع شده و شیطان و جُنْدش از این سنگر فرار کرده، جنود رحمانی به جای آن‌ها برقرار می‌شود.

مثلاً یکی از ذمائم اخلاق که اسباب هلاکت انسان است و موجب فشار قبر است و انسان را در دو دنیا معذب دارد، بدخلقی با اهل خانه یا همسایگان یا هم‌شغل‌ها یا اهل بازار و محله است که این زاییده غضب و شهوت است. اگر انسان مجاهد مدتی در صدد برآید که هر وقت ناملامی پیشامد می‌کند از برای او و آتش غضب شعله‌ور می‌شود و بنای سوزاندن باطن را می‌گذارد و دعوت می‌کند او را بر ناسزاگفتن و بدگویی کردن، بر خلاف نفس اقدام کرده، عاقبت بد و نتیجه زشت این خُلق را یاد بیاورد [و] در عوض، ملایمت به خرج بدهد و در باطن، شیطان را لعن کند و به خدا از او پناه ببرد، من به شما قول می‌دهم که اگر چنین رفتاری کنید، بعد از چند مرتبه تکرار، آن خُلق به کلی عوض شده و خُلق نیکو در باطن مملکت شما منزل می‌کند.^۱

چه تغییری باید در رفتار خویش ایجاد کنیم تا موجب دریافت جواز عبور از صراط باشد؟

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۵، حدیث ۱.





توصیه‌های عملی

۱. عمل کردن به آنچه می‌دانیم؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَا لَا يَعْلَمُ»^۱ (هرکس به آنچه می‌داند، عمل کند، خداوند آنچه را که نمی‌داند، به او خواهد آموخت).
۲. استفاده از محضر استاد خود ساخته و صاحب‌نفسی که سخنان او در جان تأثیر کند یا مطالعه کتاب‌های اخلاقی او، مانند کتاب‌های اخلاقی ارزشمند حضرت امام علیه السلام.
۳. در نظر گرفتن مَلَکات زشت خود و صبر و مقاومت پیشه کردن در عمل بر خلاف آن و کمک طلبیدن مستمر از خداوند متعال در این امر.
۴. مداومت بر ذکر شریف «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»^۲.

۱. حسن بن محمد دیلمی، اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، ص ۳۰۱.
۲. نک: حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۱۵.



۱۸

آسان گرفتن
به زيردستان



وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ
حِسَابَهُ وَمَنْ كَفَّفَ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَ
مَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ.^۱

و کسی که در این ماه برزیردستان خویش آسان بگیرد، خداوند حساب او را آسان می‌گیرد و کسی که شرش را از دیگران بردارد، خداوند در روز ملاقات با خویش، غضبش را از او زایل می‌کند و کسی که در این ماه یتیمی را اکرام کند، خداوند در روز ملاقات با خویش، او را گرامی می‌دارد.

این دستور پیامبر عزیز اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در واقع، سرایت دادن رحمت و واسعۀ حضرت حق به زیردستان خود و آسان گرفتن بر آن‌ها، به‌ویژه در این ماه است.

خدمتگزار امام راحل رَحِمَهُ اللهُ گفته است: «بنده ۱۹ سال خدمتگزار امام بودم. رفتار آقا منتهای خوبی بود. الان هم همیشه جویای حال ما می‌شوند [و] مرتب احوالپرسی می‌کنند. ما از چشمان گله داریم، از آقا به اندازه سرسوزنی گله نداریم.»^۲ همسر ایشان هم می‌فرمودند:

اوایل زندگی‌مان، هفته اول یا ماه اول یادم نیست، به من گفتند: «من به کار تو کاری ندارم. به هر صورت که میل داری، لباس بخرو بیوش؛ اما آنچه از تو می‌خواهم

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.
۲. غلامعلی رجائی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س)، ج ۱، ص ۸۹.





این است که واجبات را انجام دهی و محرمات را ترک کنی؛ یعنی گناه نکنی.»^۱

توصیه‌های عملی

۱. انجام دادن امور شخصی و پرهیز از ایجاد زحمت برای دیگران.
۲. در نظر گرفتن تخفیفی ویژه برای کسانی که در ایام ماه مبارک رمضان، موظف به انجام کارهای محوّلۀ ما هستند.
۳. برداشتن زحمت خود از دوش سایرین، تا آنجا که امکان دارد؛ بلکه فراهم کردن موجبات راحتی و آسایش آنها، بیش از پیش.

۱. غلامعلی رجائی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س)، ج ۱، ص ۶۴.



١٩

صَلَةُ رَجْمٍ



وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحْمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحْمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ^۱.

و کسی که در این ماه به خویشاوندانش بیبوندد، خداوند به رحمت خویش با او ملاقات خواهد کرد و کسی که از ارحام خویش ببرد، خداوند در روز ملاقات با خویش، رحمتش را از او قطع خواهد کرد.

از زبان بستگان امام راحل علیه السلام می شنویم که ایشان در قبال ارحامشان، به ویژه پدر و مادرشان، به شدت عاطفی بودند و بارها می فرمودند: «اینکه می گویند بهشت زیر پای مادران است^۲، یعنی این قدر باید جلوی پای مادر، صورت به خاک بمالی تا خدا تو را به بهشت ببرد.»^۳ آیا خویشاوندانی نداریم که میانمان کدورت هایی موجود باشد؟ مطابق با فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وظیفه ما در قبال آن ها چیست؟

توصیه های عملی

۱. سعی بر اصلاح امور و وصل ارتباط با ارحام، چه درباره خود و چه درباره اطرافیان.
۲. برقراری و تداوم ارتباط با همه اقوام، به منظور اطلاع یافتن از نیازمندی های آن ها و سپس اقدام برای جلب منفعت و دفع ضرر از آن ها، در حد توان و به اندازه مقدور.
۳. رسیدگی و احترام ویژه به پدر و مادر.

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴.

۲. نک: حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۳. غلامعلی رجائی، برداشت هایی از سیره امام خمینی (س)، ج ۱، ص ۲۴.



۲۰

نمازهای مستحبی

وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ^۱

و هرکس [در این ماه] نماز مستحبی بخواند، خداوند برایش آزادی از آتش را ثبت می‌فرماید.

در احادیث معتبر، تأکیدی نزدیک به سرحدِ وجوب برای نوافل یومیه وارد شده است و سرّان، ارتباطی است که با نمازهای واجب دارد؛ چنان که در روایتی از امام صادق ع این طور آمده است:

«إِنَّمَا أَمَرْنَا بِالنَّوَافِلِ لِيَتِمَّ لَهُمْ بِهَا مَا نَقَصُوا مِنَ الْفَرِيضَةِ.»^۲

از برای نوافل یومیه فضیلت بسیار است؛ بلکه در بعضی روایات، ترک آن را معصیت شمرده^۳ و در بعضی دیگر در این مقام فرموده: خداوند عذاب می‌کند بر ترک سُنّت^۴ و در بعضی روایات تعبیر به وجوب فرموده [است]^۵ و این از برای تأکید در اتیان آنهاست و زجر از ترک آنها و سزاوار این است که انسان حتی الامکان آنها را ترک نکند؛ زیرا که به حسب روایات شریفه، نکتهٔ جعل آنها برای اتمام فرایض و قبولی آنهاست و در بعضی روایت می‌فرماید: «شیعیان ما [اهل] پنجاه و یک رکعت نماز هستند»^۶ و از آن حدیث

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۴ و ۹۵.
۲. [بندگان] مأمور شده‌اند به خواندن نوافل تا به این ترتیب، نقایص فرایض خود را تتمیم و تکمیل کنند (محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۸).
۳. نک: محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱.
۴. نک: محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل المسائل الشریعة، ج ۴، ص ۵۹.
۵. نک: حسین نوری طبرسی (محدث نوری)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۵۰.
۶. نک: محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، صفات الشیعة، ص ۲.

ظاهر می‌شود که اصحاب اتیان آن، هستند نه عقیده به آن مقابل اهل سنت؛ چنان که از حدیث «علائم مؤمن» نیز همین ظاهر شود.^۱

در کاستن از ساعات غفلت و افزایش ساعات ذکر و عبادت در زندگی خویش و نمازهای مستحبی، جدیت بیشتری داشته باشیم؛ زیرا خاصیت اصلی نمازهای مستحبی، جبران نقص‌های فرائض و کوتاهی‌ها در آنهاست.

توصیه‌های عملی

۱. کوتاهی نکردن از به‌جا آوردن نوافل یومیه که پس از فرائض یومیه، مؤکدترین نمازهای مستحبی است و توجه به این امر که اگر توفیق به‌جا آوردن همه نوافل یومیه را نداریم، از نافله صبح و نماز و تیره یعنی نماز نافله عشا غفلت نکنیم.
۲. خواندن نماز نافله شب.
۳. غفلت نکردن از نماز غفیله و سایر نمازهای مستحبی و سعی در به‌جا آوردن آنها، به‌قدر اقبال قلب و نه از روی تحمیل و اکراه.

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۸۷، حدیث ۲۹.

۲۱

نمازهای واجب



وَمَنْ آدَى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِّنْ آدَى سَبْعِينَ فَرِيضَةً
فِيَمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ^۱

و کسی که در این ماه نماز واجبی را به جا آورد، برایش ثواب کسی است که هفتاد نماز واجب در غیر این ماه به جا آورد.

پس چه می شود که این دل غافل از خواب برخیزد و در مقابل دشمن واقعی خود که نفس اوست^۲ بایستد و به هر عمل زشت و هر خُلُق ناهنجاری راضی نشود تا تو را وادار کند و طوق بندگی معبود حقیقی را برگردنت نهد!

این نمازهای پنج گانه که عمود دین و پایه محکم ایمان است و در اسلام چیزی بعد از ایمان، به اهمیت آن نیست، بعد از توجهات نوریّه باطنیّه و صُور غیبیّه ملکوتیّه که غیر از حق تعالی و خاصان درگاه او کسی نداند، یکی از جهات مهمه که در آن هست، این تکرار تذکر حق، با آداب و اوضاع الهی که در آن منظور گردیده است، رابطه انسان را با حق تعالی و عوالم غیبیّه محکم می کند و ملکه خضوع لله را در قلب ایجاد کند و شجره طیبه توحید و تفرید را در قلب محکم کند؛ به طوری که با هیچ چیز از آن زایل نشود و در امتحان بزرگ حق تعالی

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵.
۲. پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ» (بدترین دشمنت همان نفس توست که میان دو پهلویت قرار دارد) (مسعود بن عیسی بن وزّام بن ابی فراس مالکی اشتری، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه وزّام، ج ۱، ص ۵۹).





که در حال ظهور سَکرات موت و احوال مَظَّلَع و شهود نمونه غیب حاصل شود، از امتحان، درست بیرون آید و دینش مستقر باشد و بماند، نه مستودع و زایل شدنی که به اندک فشاری نسیان عارض شود.

پس ای عزیز! «**إِيَّاكَ ثُمَّ إِيَّاكَ وَاللَّهُ مُعِينُكَ فِي أَوْلِيَاكَ وَأَخْرَاكَ**»^۱ مبادا در امر دیانت خصوصاً این نمازهای پنج‌گانه تهاون کنی و آن‌ها را سُست شماری! خدا می‌داند که انبیا و اولیا و ائمه هدی عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از کمال شفقت بر بندگان خدا این قدر ترغیب و تحذیر نمودند؛ و الاً ایمان ما نفعی به آن‌ها نرساند و از اعمال ما سودی نبرند.^۲

بی‌شک، مقصود از ادای فریضه، تحصیل امری است که برای سلامت و حیات روح، از اقلّ ضروریات محسوب می‌شود و شروط تحقق این امر ضروری، با التفات و توجه حاصل می‌شود: «**لَا صَلَاةَ إِلَّا بِحُضُورِ الْقَلْبِ**»^۳

توصیه‌های عملی

۱. سعی در آموختن احکام و آداب ظاهری و باطنی نماز، به‌ویژه مطالعه کتاب شریف آداب معنوی نماز از نوشته‌های امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ و عمل به آن‌ها.
۲. سعی در خالص کردن دل در هنگام نماز.

۱. (بپرهیز، بپرهیز و خدا در این جهان و در جهان دیگر، یاور تو باد!) (خالد توفیق، فهم القرآن دراسة على ضوء المدرسة السلوكية، ص ۴۶).

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۹۶، حدیث ۲۹.

۳. سیدنورالله حسینی مرعشی تستری (قاضی نورالله شوشتری)، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۲، ص ۳۱۸.



۲۲

بسیار
صلوات فرستادن



وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ ثَقَّلَ اللَّهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ
الْمَوَازِينُ وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَتْ لَهُ مِثْلُ أُجْرِ
مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ^۱

و هرکس در این ماه، بسیار بر من صلوات بفرستد، خداوند در روز قیامت که میزان‌ها سبک می‌شوند، حسنات او را سنگین می‌کند و کسی که در این ماه، آیه‌ای از قرآن تلاوت کند، مانند کسی است که در ماه‌های دیگر قرآن را ختم کرده است.

حقیقت درود و صلوات، اظهار عشق و تمنای وصول به نهایی‌ترین مرحله کمال خود است که در وجود مبارک محمدی و اولیای طاهرینش تحقق یافته است و هرچه قلباً و لساناً، بیشتر به این محبت و عشق به کمال مطلوب خود و غایت وجود همه موجودات مشغول باشیم و از توجه به غیر او بکاهیم، درحقیقت خود را در معرض تابش انوار قدسیه آن وجود شریف قرار داده‌ایم و وجود ضعیف خود را با یاد کمالات انسانی و صفات خدایی ایشان تقویت کرده‌ایم؛ به‌ویژه که از اهل معرفت رسیده است صلوات بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جامع همه اصول حقه و عقاید ناب شیعه است و ذکر صلوات، تقویت همه جانبه این عقاید حقه است؛ اما شرط کمال این ذکر شریف آن است که با شدت تکرار آن و خصوصاً با تأسی و تبعیت به سیره آن بزرگواران، این ذکر شریف در قلبت وارد شده و قلب را یکپارچه عشق و محبت به آنان قرار دهد و فانی

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵.





در آن‌ها شود تا خود را به‌کلی فراموش کند: «رَزَقَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»

توصیه‌های عملی

۱. ایجاد زمینه‌ی انس با حضرات معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه از مجرای ذکر صلوات.
۲. تلاش برای پذیرش واقعی و تسلیم‌بودن حقیقی در برابر دستورات پیامبر عزیزمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.



۲۳

گشوده بودن
ابواب رحمت الهی



أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ فَاسْتَلُوا
رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ^۱

ای مردم، بدانید در این ماه درهای بهشت باز است؛ پس از پروردگار خویش بخواهید آن را بر شما مسدود نکند.

یکی از موانع عظیم در بهره‌گیری از عبادات و کتاب الهی، همان‌طور که اشاره به آن گذشت، حجاب معاصی و گناهان است که روح انسان را سرد و به خدا و آخرت بی‌رغبت می‌کند؛ چندان که ابواب رحمت الهی بر او بسته و درب‌های جهنم گشوده شده است و اگر بر همین حال باقی بماند، هرگز امیدی به نجاتش نیست؛ اما خداوند مهربان با فرارسیدن ماه مبارک رمضان، با رحمت خود، این حجاب را می‌درزد و درهای بهشت را می‌گشاید و بر جهنم خود قفل می‌زند تا شاید ما گنهکاران، رها از ظلمت و تباهی اعمال گذشته خود، در پرتو انوار رحمت ماه رمضان، از اصرار در پیمودن راه شقاوت و هلاکت دست برداریم و گذشته‌ها را جبران کنیم؛ آن هم با سرعتی که بتوانیم خرمن گناه یک عمر را در یک ماه بسوزانیم و راه آینده را روشن سازیم. در این میان، خداوند رؤف، شیطان حيله‌گر را نیز به غل و زنجیر کشیده است: شیطانی که از دام‌های بزرگ او این است: در ابتدا بنده را به غرور کشاند و او را به این وسیله افسارگسیخته کند و از معاصی کوچک، به بزرگ و از آن، به کبائر و موبقات کشد و چون مدتی بدین منوال با او

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵.





بازی کرد و او را به خیال رجاء به رحمت، به وادی غرور کشاند، در آخر کار، اگر در او نورانیتی دید که احتمال توبه و رجوع داد، او را به یأس از رحمت و قنوط کشاند و به او گوید: «از تو گذشته و کار تو اصلاح شدنی نیست!» و این دام بزرگی است که بنده را از در خانه خدا روگردان کند و دست او را از دامن رحمت الهی کوتاه نماید و این منشأ خرابی‌های عجیب و مفسد بی شمار است که ضرر این اشخاص به خود و به دیگران، از هر کس بیشتر است و این از غایت جهل و نهایت شقاوت است.

پس انسان باید در صدد علاج برای این کبیره مهلکه برآید و تفکر در رحمت‌های واسعۀ حق و لطف‌های خفی و جلی آن ذات مقدس کند.^۱

پس، غرور شیطان انسان را از عمل صالح باز دارد و انسان را یا بی ایمان یا با بارهای سنگین از دنیا ببرد و به شقاوت و بدبختی گرفتار کند و گاهی با وعده رحمت و واسعۀ ارحم الراحمین، دست انسان را از دامن رحمت کوتاه کند؛ غافل از آنکه این همه بعث رُسل و ارسال کتب و فرورستاندن فرشتگان و وحی و الهام به پیغمبران و راهنمایی [به] طریق حق، از رحمت ارحم الراحمین است. عالم را رحمت و واسعۀ حق فرو گرفته و ما در لب چشمۀ حیوان از تشنگی به هلاکت می‌رسیم... بالجمله این نیز از غرور شیطان است که دست انسان را با طمع رحمت از رحمت کوتاه کند.^۲

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۳۹.

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۶ و ۳۷.





در بهره‌گیری از نعمات الهی

ای عزیز، اکنون که فرصت است و سرمایه‌ی عمر عزیز در دست است و طریق سلوک الی‌الله مفتوح است و درهای رحمت حق باز است و سلامتی و قوّت اعضا و قوا برقرار است و «دار الزّرع» عالم مُلک برپاست، همتی کن و قدر این نِعَم الهیه را بفهم و از آن‌ها استفاده نما و کمالات روحانیّه و سعادات ازلیّه ابدیه را تحصیل کن و از این همه معارف که قرآن شریف آسمانی و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام در بسیط ارض طبیعت مظلّمه بسط داده‌اند و عالم را به انوار ساطعه‌ی الهیه روشن فرموده‌اند، تو نیز بهره‌ای بردار و ارض طبیعت مظلّمه خود را به نور الهی روشن کن و چشم و گوش و لسان و دیگر قوای ظاهره و باطنه را به نور حق تعالی منور کن و تبدیل این ارض ظلمانی را به ارض نورانی، بلکه آسمان عقلانی کن: ﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ﴾^۱ ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۲ در آن روز اگر ارض تو غیر ارض نشده باشد و به نور رب نورانی نگردیده باشد، ظلمت‌ها و سختی‌ها و وحشت‌ها و فشارها و ذلّت‌ها و عذاب‌ها داری.^۳

در این فرصت مغتنم، خویش را با هر رنج و زحمتی که شده است، داخل ابواب رحمت بکشانیم و از خدا بخواهیم آثار حیات طیبه و یقین و معرفتش را که ظهور بهره‌مندی از آن، بهشت است، نصیبمان فرماید.

۱. (در آن روز که این زمین به زمین دیگر مبدّل می‌شود) (ابراهیم، ۴۸).

۲. (و زمین [در آن روز] به نور پروردگارش روشن می‌شود...) (زمر، ۶۹).

۳. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۱۵۲.





توصیه‌های عملی

۱. در نظر داشتن این ملاک که برنامه‌های عبادی آنگاه مقبول افتاده است که در جان، آثار حیات طیبه آن مشاهده شود.
۲. تدبیر آیات که صحنه‌های بهشت را به تصویر کشیده است، تا شوق آرزوهای اخروی را در خویش حس کنیم.
۳. درخواست از خداوند که ابواب رحمت خویش را بر ما نبندد.
۴. ضایع نکردن نعمت‌های الهی و به جا آوردن شکرشان که استفاده آن نعمت‌ها در جهت تحصیل سعادت و کمال است.



۲۴

بسته بودن
ابواب خشم خداوند



وَأَبْوَابِ النَّيِّرَانِ مُغْلَقَةً فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ.^۱
 و درهای آتش در این ماه بسته است؛ پس از پروردگار خویش
 مسئلت کنید تا بر شما مسدود باقی بماند.

علامت جهنمی بودن

علامت و آثار جهنمی بودن یا بهشتی بودن، در پشت حجاب طبیعت و در همین عالم خاکی، به خوبی از توجه به چگونگی بهره گرفتن از نعمت های الهی آشکار است؛ زیرا همه نعمت های الهی چنین اند که اگر در راه رشد و تعالی انسان و انسانیت او به کار برده نشوند، به صورت نعمت در دنیا و آخرت رُخ نموده و به نحو عکس عمل می کنند و موجب هلاکت و عذاب خواهند شد: ﴿وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^۲ دلی که خداوند برای تدبر در آیات خود خلق فرموده و چشم و گوش که برای بصیرت و شنوایی حقایق الهیه مرحمت کرده است، اگر در مسیر خود استفاده نشود و از افق حیوانیت تجاوز نکند و به مقام انسانیت نرسد، صاحب چنین دلی به حقیقت حیوانیت نزدیک تر است؛ گرچه به صورت انسانی باشد؛ بلکه گمراه تر از سایر حیوانات است و قوای مُلکی و حس او هریک دری به سوی جهنم خواهد شد و چشم و گوش و بطن و فرج و پا و زبان او که اقالیم سبعة مُلکیه او نامیده می شوند، هفت جهنم سوزان

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵.
 ۲. (و کسی که نعمت خدا را، پس از آنکه به سراغش آمد، تبدیل کند [و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد] که خداوند شدید العقاب است) (بقره، ۲۱۱).





خواهند بود که طرف قیاس با آتش دنیا و سوزندگی آن نیست. بر همین حال است حقیقت اشیایی که به وسیله این قوا در آن‌ها تصرف می‌شود، اعم از زمین و آسمان و آنچه در آن است. تمام آتش دوزخ و عذاب قبر و قیامت و غیر آن‌ها را که شنیدی و قیاس کردی به آتش دنیا و عذاب دنیا، اشتباه فهمیدی، بد قیاس کردی: آتش این عالم یک امر عرضی سردی است. عذاب این عالم خیلی سهل و آسان است. ادراک تو در این عالم، ناقص و کوتاه است. همه آتش‌های این عالم را جمع کنند، روح انسان را نمی‌تواند بسوزاند. آنجا آتشش علاوه بر اینکه جسم را می‌سوزاند، روح را می‌سوزاند، قلب را ذوب می‌کند، فؤاد را محترق می‌نماید. تمام این‌ها را که شنیدی و آنچه تاکنون از هر که شنیدی، جهنم اعمال توست که در آنجا حاضر می‌بینی که خدای تعالی می‌فرماید: **«وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا»**^۱ یعنی «یافتند آنچه کرده بودند حاضر». اینجا مال یتیم خوردی، لذت بردی، خدا می‌داند آن صورتی که در آن عالم، از آن در جهنم می‌بینی و آن ذلتی که در آنجا نصیب توست، چیست! اینجا بد گفتی به مردم، قلب مردم را سوزانیدی، این سوزش قلب عباد خدا را خدا می‌داند چه عذابی دارد در آن دنیا! وقتی که دیدی، می‌فهمی چه عذابی خودت برای خودت تهیه کردی! وقتی غیبت کردی، صورت ملکوتی او برای تو تهیه شد، به تو رد می‌شود، با او محشوری و خواهی عذاب آن را چشید.^۲

۱. کهف، ۴۹.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۲۰ و ۲۱، حدیث ۱.





جهنم؛ باطن اعمال زشت بنی‌الانسان

ای بیچاره انسان! جهنم و عذاب‌های گوناگون عالم ملکوت و قیامت، صورت‌های عمل و اخلاق خودت هست. تو به دست خود، خویشتن را دچار ذلت و زحمت کردی و می‌کنی. تو با پای خود به جهنم می‌روی و به عمل خود، جهنم درست می‌کنی. جهنم نیست جز باطنِ عمل‌های ناهنجار تو. ظلمت‌ها و وحشت‌های برزخ و قبر و قیامت نیست جز ظلّ ظلمانی اخلاق فاسده و عقاید باطله بنی‌الانسان: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾

امیرالمؤمنین علیه السلام فرماید: «این آیه شریفه، محکم‌ترین آیات است.» و ظاهراً این آیه شریفه آن است که خود عمل خوب و بد را می‌بینیم.

در آیه ۳۰ [سوره مبارکه] آل عمران فرماید: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَاعَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحَضَّرًا وَمَاعَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ﴾. اگر اعمال بنی‌الانسان نبود و صورت‌های غیبی عمل‌های زشت ما نبود، جهنمی نبود و همه عالم غیب، بَرَد و سلامت بود.^۲

از ابواب جهنم، همین هواهای نفسانی و لذت‌طلبی‌های مادی است که خداوند در این ماه، بر ترک عمومی آن حکم فرموده است تا انسان طعم حیات انسانی و کرامت نفسانی را بچشد.

۱. (پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد، آن را می‌بیند! * پس هرکس هم‌وزن ذره‌ای کار انجام دهد، آن را می‌بیند!) (زلزله، ۷ و ۸).

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۱ و ۱۴۲.





توصیه‌های عملی

۱. توجه به این اصل که ترک هواهای نفسانی و خودپرستی، ریشه‌ی خداپرستی است.
۲. کمتر کردن توجه به دنیا و افزودن توجهات به آخرت.
۳. تحقیق و تدبر در آیات قرآن، به منظور فهم و تصور عذاب‌های جهنمی و ملموس کردن هرچه بیشتر آن‌ها.
۴. دعا برای گشوده‌نشدن درهای جهنم و بسته‌ماندن آن.



۲۵

زندانی بودن شیاطین



وَالشَّيَاطِينِ مَغْلُولَةٌ فَاسْتَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ^۱.

شیاطین در این ماه در غل و زنجیرند؛ پس از خداوند بخواهید که آن‌ها را هرگز بر شما مسلط نکند.

ای انسان بیچاره، اگر در ماه روزه و عبادت که نفس در قرنطینه تربیت و تهذیب قرار گرفته است، شیطان زندانی است، آیات قرآن بردل و قلب تو عرضه می‌شود و آسمان پُررمز و راز شب‌های ماه خدا برای فکر و اندیشه تو پرده اسرار را می‌شکافد، به خود نیایی و خود را اصلاح نکنی، در ایام دیگر، حال تو چگونه خواهد بود؟!

نباید فراموش کنید که در ماه مبارک که «شهرالله» می‌باشد و درهای رحمت الهی بر روی بندگان باز است و شیاطین و اهریمنان، به حسب روایت، در غل و زنجیر به سر می‌برند، اگر شما نتوانید خود را اصلاح و مهذب نمایید، نفس اماره را تحت مراقبت و کنترل خود در آورید، هواهای نفسانیّه را زیر پا گذاشته [و] علاقه و ارتباط خویش را با دنیا و مادیّت قطع کنید، بعد از پایان یافتن شهر صیام مشکل است بتوانید این مسائل را به مرحله عمل درآورید؛ بنابراین از فرصت استفاده کنید و پیش از آنکه این فیض عظیم سپری گردد، در مقام اصلاح [و] تزکیه و تصفیّه امور خود برآیید. خود را برای انجام وظایف ماه صیام آماده و مهیا سازید. طوری نباشد که

۱. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵.



پیش از فرارسیدن شهر رمضان، همانند ساعت به دست شیطان کوک شده [و] در این یک ماه که شیاطین در زنجیرند، شما به طور خودکار به معاصی و اعمال خلاف دستورات اسلام مشغول گردید!

در این ماه مبارک، تمام ابزارآلات مهارکردن نفس حیوانی فراهم است. همّتی می‌طلبید و دعایی که از خداوند تحقّق آن را صادقانه طلب می‌کنیم.

توصیه‌های عملی

۱. توجه به اینکه این ماه بهترین فصل سیروسلوک انسانی و باروری و شکوفایی انسان است؛ چنان که بهار نسبت به سایر فصول، مناسب‌ترین فصل برای رویش است.
۲. به کارگرفتن همۀ آنچه در همّت خود داریم، در موقعیت مناسب ماه رمضان و با استفاده از امکانات فراهم آمده در این ماه مبارک، برای خروج از بیت نفس و برداشتن گام‌های اساسی در سلوک الی الله.
۳. التجا و پناهندگی بی‌وقفه به خداوند، از شرّ شیطان و دعای مصرّانه در مسلط‌نگشتن آن ملعون در باقی عمر.



۲۶

دوری و اجتناب
از حرام‌های الهی



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُمْتُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ
مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ فَقَالَ يَا أَبَاحَسَنِ
أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ!

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند: «من بلند شدم و گفتم: 'ای رسول خدا، افضل اعمال در این ماه چیست؟' پس رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: 'ای اباحسن، افضل اعمال در این ماه، دوری از حرام‌های خداوند عز و جل است.'»

ورع در معنای اصطلاحی خود، نگاهداری کامل و آخرین مرتبه حفظ نفس از ارتکاب گناهان، همراه با غلبه ترس از لغزش و خطاست؛ البته ورع حقیقتی است که برای مردم در مراتب مختلفی تحقق پیدا می‌کند؛ چنان‌که ورع عامه مردم اجتناب از گناهان کبیره و ورع خواص، اجتناب از مشتبهات و ورع اهل زهد، اجتناب از مباحات و ورع اهل سلوک، ترک توجه به دنیا و ورع مجذوبین، ترک مقامات و ورع اولیا، اجتناب از توجه به غایات است.

آنچه در این مقام باید دانست، آن است که ورع از محارم‌الله پایه تمام کمالات معنویّه و مقامات اخرویّه است و از برای هیچ‌کس مقامی حاصل نشود، مگر به ورع از محارم‌الله! و قلبی که دارای ورع نباشد، به‌طوری





زنگار و کدورت او را فرامی‌گیرد که امید نجات بسا باشد که از آن منقطع گردد. صفای نفوس و صقالت آن‌ها به ورع است و این منزل، برای عامه مهم‌ترین منازل است و تحصیل آن از مهمات مسافر طریق آخرت است. ... عبادات بدون ورع از درجه اعتبار ساقط است و معلوم است نکته بزرگ عبادات که انقیاد نفس و ارتیاض آن است و قهر ملکوت است بر ملک و طبیعت، بدون ورع شدید و پرهیزکاری کامل حاصل نشود. نفوسی که مبتلای به معاصی خدا هستند، نقشی در آن‌ها صورت نگیرد و نقاشی بی‌فایده است. تا صفحه را از کدورات و کثافات پاک و صاف نکنی، نقاشی نتوان کرد؛ پس عبادات که صورت کمالیه نفس است، بدون صفای نفس از کدورت معاصی فایده‌ای نکند و صورتی است بی‌معنی و قالبی است بی‌روح.^۱

میزان کمال در ورع

و باید دانست که به حسب روایات شریفه، میزان در کمال ورع، اجتناب از محارم‌الله است و هرکس اجتناب از محرمات الهیه کند، از ورع‌دارترین مردم به‌شمار آید؛ پس، این امر را شیطان در نظرت بزرگ نکند و تو را مأیوس ننماید؛ زیرا که از عادت آن ملعون است که انسان را از راه یأس، به شقاوت ابدی می‌اندازد.^۲

۱. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۷۳ و ۴۷۴، حدیث ۲۹.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۷۵، حدیث ۲۹.





مهم‌تر از هر چیز، این است که اعمال خویش را در این ماه خراب نکنیم تا از برکاتش محروم نمائیم؛ چراکه همه فضای این ماه مملو از برکات ربوبی است. به خدا باید پناه برد که با دست‌های خویش بر سر سفره اکرام الهی بی‌حرمتی نکنیم:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعَدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ
النِّيَّةِ وَعَرَفَانَ الْحُرْمَةِ وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ وَ
سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ
الْمَعْرِفَةِ وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ وَاكْفُفْ
أَيْدِينَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ وَأَعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ
الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ وَأَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللُّغْوِ وَالْغَيْبَةِ...

توصیه‌های عملی

۱. پرهیز از اعتماد بر نفس و طرح و برنامه‌های خویش.
۲. پناه‌بردن به خداوند از بازماندن و درماندن در طریق و طلب توفیق به طور مستمر: ﴿رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأُكَ الْمَصِيرُ﴾^۲
۳. مسألت همیشگی و خاضعانه و عارفانه از منبع فیوضات، بعد از بهره‌گرفتن از همه ابزار و امکانات، به منظور مؤثر واقع شدن و توفیق بهره‌مندی مجدد از آن‌ها.

۱. ابراهیم‌بن‌علی عاملی کفعمی، البلد الامین، ص ۳۴۹ و ۳۵۰، دعای روایت‌شده از امام‌مهدی عجل‌الله‌تعالی، عباس قمی، مفاتیح الجنان، فصل هفتم، دعای دوازدهم، دعای حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی.

۲. (پروردگارا، ما بر تو توکل کردیم و به‌سوی تو بازگشتیم و همه فرجام‌ها به‌سوی توست) (ممتحنه، ۴).



۲۷

ولایت؛
جانِ همهٔ عبادت‌ها



ثُمَّ بَكَى فُكِلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَبِى
 لِمَا يُسْتَجَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ
 وَقَدْ أَنْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيقَ عَاقِرِ نَاقَةٍ ثُمُودَ
 فَضْرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ قَالَ أَمِيرُ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي
 فَقَالَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ ثُمَّ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ
 فَقَدْ قَتَلَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي
 لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي رُوْحُكَ مِنْ رُوْحِي وَطَيْبَتُكَ مِنْ طَيْبَتِي
 إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ وَاخْتَارَنِي
 لِلنَّبُوءَةِ وَاخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي.
 يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَأَبُو وُلْدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي
 حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسَمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي
 بِالنَّبُوءَةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَآمِينُهُ عَلَى
 سِرِّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ!

آنگاه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گریه کردند. از حضرتش پرسیدم: «چه چیز شما را به گریه انداخت؟» فرمودند: «یا علی، گریه‌ام برای آن چیزی است که در این ماه، از تو حلال می‌دانند. گویا می‌بینم تو را که برای پروردگارت نماز می‌گزاری و حال اینکه بدبخت‌ترین مردمان گذشته برانگیخته می‌شود: شقی‌تر از پی‌کننده ناقهٔ ثمود؛ پس برفرق سرتو ضربتی زند و محاسن تو را بدین وسیله با خونت خضاب کند.

علی عَلِيٌّ فرموده‌اند: «به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتم: 'این واقعه درحال

۱. محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، امالی الصدوق، ص ۹۵ و ۹۶.





سلامت دین من است؟' فرمودند: 'در سلامت دین توست... یا علی، کسی که تو را بکشد، همانا مرا کشته است و هر که با تو دشمنی کند، دشمن من است و هر که تو را دشنام دهد، مرا دشنام داده است؛ زیرا تو نسبت به من، مانند جانم هستی. روان تو از روان من و طینت تو از طینت من است. به درستی که خدای بزرگ، من و تو را باهم آفرید و من و تو را باهم برگزید: مرا به نبوت و تو را به امامت و هر که امامت تو را انکار کند، پس به تحقیق نبوت مرا انکار کرده است.

یا علی، تو وصی من و پدر فرزندان من و شوهر دختر من و جانشین من در امتم، در حیات و بعد از ممات من هستی. امر تو امر من و نهی تو نهی من است. سوگند به آن که مرا به نبوت مبعوث فرموده و بهترین خلق قرار داده است، به درستی که تو هر آینه حجت خدایی بر خلقش و امین او هستی بر سرش و جانشین او هستی بر بندگانش!»

انسان مجذوب هر کمالی بشود، رنگ آن را بر خود می زند و خود را فانی در او کرده و بقای خود را در او جست و جو می کند و حقیقت این جذب، همان ولایت است که اگر متوجه دنیا و مظاهر آن شد، ولایت شیطان است؛ مانند قدرتی که از مرزها بگذرد و همه را مقهور اقتدار خود کند و قدرتی که مردم را به ستم و اجبار در خدمت خود گیرد و علمی که دست او را در به چنگ آوردن آنچه در دست مردم است، باز کند و جاه و مقامی که زبان ها را ثناگوی او و چهره ها را خاکسار قدم او سازد.





هرکس به هر اندازه مجذوب این امور باشد و در دل، خود را مزین به این کمالات دروغین آرزو کند، حقیقت این جذبه، شخصیت جدیدی به او می‌دهد که هویت گذشته‌اش را در خود ذوب می‌کند و فانی در محبوب پوشالی خود و باقی به بقای او می‌شود؛ اما از آنجا که باطل را بقایی نیست، همه آنچه برای خود ساخته است، تبدیل به آتش حسرت و افسوسی همیشگی خواهد شد؛ چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند: «**لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ وَلِلْحَقِّ دَوْلَةٌ**»^۱ در مقابل، جذبه الهی که در دنیای انسان‌ها از طریق صفات انسانی به ظهور می‌رسد، به هر مقدار در دل بنشیند، او را الهی می‌کند و از این روست که عشق امیرالمؤمنین علی علیه السلام که ولای او و فنای در او و بقای به اوست، مطابق با فطرت همه انسان‌هاست که همان میزان حق و صراط مستقیم سلوک الی الله است.

فطری بودن ولایت

چون فطرت فنای در کمال مطلق را خواهد، حصول آن حقیقت که حقیقت ولایت است، حصول فنای در کمال مطلق است؛ پس حقیقت ولایت نیز از فطریات [است] و از این جهت است که در روایات شریفه، «**فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا**»^۲ را گاهی تفسیر فرموده به «فطرت معرفت» و گاهی به «فطرت توحید» و گاهی به «فطرت ولایت» و گاهی به «اسلام». در بعضی از روایات است که از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که فرمود:

۱. (برای باطل جولانی باشد و زایل شود و برای حق، دولتی پایدار است) (رجب‌بن محمد حافظ برسی، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۲۶۱).





«فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» [هِيَ] لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيُّ اللَّهِ است و تا اینجا توحید است.^۱»^۲

ولایت اهل بیت عصمت و طهارت و دوستی خاندان رسالت ﷺ و عرفان مقام مقدس آن‌ها، امانت حق است؛ چنان‌که در احادیث شریفه کثیره، «امانت» را در آیه تفسیر فرموده‌اند به ولایت امیرالمؤمنین ﷺ^۳ و چنانچه غصب ولایت و سلطنت آن حضرت خیانت به امانت است، ترک تبعیت آن بزرگوار از مراتب خیانت است و در احادیث شریفه وارد است که شیعه کسی است که تبعیت کامل کند؛ و الا مجرد دعوی تشیع، بدون تبعیت، تشیع نخواهد بود.

بسیاری از خیالات، از قبیل اشتباهی کاذب است! به مجرد آنکه در قلب خود دوستی از حضرت امیر ﷺ و اولاد طاهرینش دیدیم، مغرور به این دوستی می‌شویم و گمان می‌کنیم با ترک تبعیت، این دوستی محفوظ می‌ماند. چه اطمینان است که اگر انسان مراقبت نکرد و آثار دوستی را ترک کرد، این دوستی باقی بماند؟! ممکن است در آن فشارهای سکران که از برای غیرمؤمنین و [غیر]مخلصین است، انسان از دهشت و وحشت، علی بن ابی طالب ﷺ را فراموش کند!^۴

۱. نک: سیدهاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۴، حدیث ۱۹.

۲. سیدروح‌الله خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۰۰.

۳. محمدبن یعقوب کلینی رازی، الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۱۳.

۴. سیدروح‌الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۴۸۰، حدیث ۲۹.





حقیقت شفاعت شافعان

جلوه شفاعت شافعان در این عالم، هدایت آن هاست و در آن عالم، باطن هدایت، شفاعت است. تواز هدایت اگر بی بهره شدی، از شفاعت بی بهره‌ای و به هر قدر هدایت شدی، شفاعت شوی.^۱

لیلة القدر؛ شب وصال نبی ختمی مرتبت

شاید «لیلة القدر» برای آن صاحب قدر شده است که شب وصال نبی ختمی و لیلة وصول عاشق حقیقی به محبوب خود است.^۲

لیلة القدر؛ شب تقدیر آجال و ارزاق و...

چون لیلة القدر لیلة توجه تام ولی کامل و ظهور سلطنت ملکوتیه اوست، به توسط نفس شریف ولی کامل و امام هر عصر و قطب هر زمان که امروز، «حضرت بقیة الله فی الارضین، سیدنا و مولانا و امامنا و هادینا حجة بن الحسن العسکری ارواحنا لمقدمه فداء» است، تغییرات و تبدیلات در عالم طبع واقع شود؛ پس، هریک از جزئیات طبیعت را خواهد، بطیة الحركة کند و هریک را خواهد، سریع کند و هر رزقی را خواهد، توسعه دهد و هریک را خواهد، تضییق کند و این اراده، اراده حق

۱. سیدروح الله خمینی، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص ۱۵۰، حدیث ۸.

۲. سیدروح الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۲۶.





است و ظلّ و شعاع ارادهٔ ازلیّه و تابع فرامین الهیه است؛ چنان که ملائکهٔ الله نیز از خود تصرّفی ندارند و تصرّفات همه، بلکه تمام ذرات وجود، تصرف الهی و از آن لطیفهٔ غیبیهٔ الهیه است: ﴿فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ﴾^۱ و^۲

روایتی در فضیلت شب قدر

از پیغمبر منقول است که فرمود: «گشوده شود درهای آسمان در شب قدر؛ پس، نیست بنده‌ای که نماز بخواند در آن؛ مگر آنکه بنویسد خداوند تعالی از برای او به هر سجده‌ای، درختی در بهشت که اگر سیر کند سواری در سایهٔ آن صد سال، تمام نکند آن را و به هر رکعتی [و رکوعی] خانه‌ای در بهشت از دُر و یاقوت و زَبَرَجَد و لؤلؤ و به هر آیه‌ای، تاجی از تاج‌های بهشت و به هر تسیحی، مرغی از نفایس مرغ‌ها و به هر جلسه‌ای، درجه‌ای از درجات بهشت و به هر تشهدی، غرفه‌ای از غرفه‌های بهشت و به هر سلامی، خُله‌ای از خُله‌های بهشت و وقتی منفجر شود عمود صبح، عطا کند او را خداوند از زن‌های بالُفت و اُنس... و از کنیزهای خوش خُلق مهذب و از پسرهای مخلّد و از طائرهای نجیب و از ریحان‌های معطر و نهرهای جاری و نعمت‌های رضایت‌بخش و تحفه‌ها و هدیه‌ها و خلعت‌ها و کرامت‌ها و آنچه نفس اشتها داشته باشد و چشم لذّت یابد و شماها در آن

۱. (پس استقامت بورز؛ آن‌چنان‌که بدان امر شده‌ای) (هود، ۱۱۲).

۲. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۲۷.





مخلّد هستيد. ۱، ۲ و ۳

بدون معرفت و اظهار محبت و ارادت به انسان کامل، به ویژه ساحت قدس ولایت، تلاش‌ها و رنج‌ها پیش‌برنده نخواهد بود.

توصیه‌های عملی

۱. اظهار ارادت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در هر روز و به ویژه عرض ارادت به پیشگاه صاحب الامر عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى و شهید ماه خدا، مولی‌الموحدين اميرالمؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ.
۲. تقویت عشق و محبت به انوار مقدسه وجود آنان، به وسیله عمل به اوامر و اجتناب از نواهی آن‌ها در زندگی.
۳. کوشش فراوان و دعا برای معرفت روزافزون به آن‌ها (علیهم‌الصلاة والسلام).

۱. نک: زحرف، ۷۱.

۲. نک: «تَفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ [السَّمَاوَاتِ] فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَمَا...» (علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)، اقبال بالأعمال الحسنة فیما یعمل مرة فی السنة، ج ۱، ص ۱۸۶).

۳. سیدروح‌الله خمینی، آداب الصلوة (آداب نماز)، ص ۳۳۴.



جدول مراقبه

چنانچه مایلید به منظور خودسازی، حداقل چند نکته از توصیه‌های گفته‌شده در این نوشتار را در ایام معنوی ماه مبارک رمضان عملی سازید، توصیه‌ انتخابی‌تان را در جدول زیر بنویسید و هرروز که توفیق اجرای آن را یافتید، برای خود مقابل همان روز، علامت مثبت (+) ثبت کنید.



↑ موضوعات	روز ۱	روز ۲	روز ۳	روز ۴	روز ۵	روز ۶	روز ۷	روز ۸	روز ۹	روز ۱۰	روز ۱۱	روز ۱۲	روز ۱۳	روز ۱۴	روز ۱۵	روز ۱۶	روز ۱۷	روز ۱۸	روز ۱۹	روز ۲۰	روز ۲۱	روز ۲۲	روز ۲۳	روز ۲۴	روز ۲۵	روز ۲۶	روز ۲۷	روز ۲۸	روز ۲۹	روز ۳۰			
احترام به بزرگ‌ترها																																	
تلاوت قرآن																																	

جدول مراقبات، با هدف سنجش میزان عمل به دستورات جامع پیامبر اسلام ﷺ در ماه مبارک رمضان





فهرست واژگان

۱۸. تأدیه: ادا کردن
۱۹. تحذیر: بیم دادن
۲۰. تفرید: انقطاع کامل از
غیر خداوند
۲۱. تضییق: تنگ کردن
۲۲. تَلَطَّف: مهربانی
۲۳. تنصیف: نصف نصف کردن
۲۴. جذوه: پاره آتش
۲۵. جعل: وضع کردن
۲۶. جَلَى: آشکار
۲۷. حاجب: پرده دار
۲۸. حبل المتین: ریسمان
محکم
۲۹. حشیش: خاشاک
۳۰. حظوظ: جمع حظ، بهره
۳۱. حِکَم: حکمت‌ها
۳۲. خفی: پنهان
۳۳. دار السُّرور و الخُلود: سرزمین
آسایش و جاودانگی
۳۴. دار الغرور: دنیا
۳۵. دهشت: سرگشتگی
۳۶. ذراع: واحد طول از آرنج تا
سرانگستان
۳۷. زبرجد: سنگی قیمتی
۳۸. زُخرف: زینت
۱. آجال: جمع آجل، آینده
۲. اتیان: برآوردن
۳. ارتیاض: رام کردن،
تعلیم دادن
۴. استثمار: بهره برداری
۵. اعوجاج: کجی
۶. إفاده: فائده رسانی
۷. امانی: آرزو
۸. اُمم سابقه: ملت‌های قبلی
۹. اَنانیت: خودبینی
۱۰. انقیاد: رام شدن
۱۱. انکسار: شکستگی
۱۲. اِنیت: وجود
۱۳. اوفی: وفادارتر
۱۴. احوال: جمع هول، سختی
۱۵. بَرَد: سرما
۱۶. بسط: گسترش
۱۷. بطیئ الحركه: آهسته رونده





۳۹. زَقُوم: درختی تلخ در دوزخ
۴۰. سكرات موت: بی هوشی هنگام مرگ
۴۱. سِجِن: زندان
۴۲. صَقَالَت: صیقل خوردگی
۴۳. صَوْرِيَه: ظاهری
۴۴. ضَرِيَع: گیاه تلخ و خشک
۴۵. طَائِرهای نجیب: پرندگان زیبا و خوش منظر
۴۶. ظَل: سایه
۴۷. ظَلَّ ظَلْمَانِي: سایه تاریکی
۴۸. عِدَّة: جماعت
۴۹. عُدَّة: لوازم زندگی
۵۰. عَرَض: آنچه دوام نداشته باشد
۵۱. عَرَوَة الوَثْقِي: دستاویز محکم
۵۲. عَمِيْم: فراگیر
۵۳. فَوَاد: قلب
۵۴. قَلْع: کندن
۵۵. قَنُوْط: ناامیدی
۵۶. مَأْكُوْلَات: خوردنی‌ها
۵۷. مَشْرُوْبَات: نوشیدنی‌ها
۵۸. مَتَشَتَّت: پراکنده



کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی فراس مالکی اشتری، مسعود بن عیسی بن وزّام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة وزّام، ج ۱، ۱، قم: مكتبة الفقيه، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن طاووس (سید بن طاووس)، علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، فلاح السائل، ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ ق.
۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۴، قم: مؤسسه البعثه، ۱۳۷۴ ش.
۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به تحقیق جلال الدین محدث، ج ۱، ۲، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۷. توفیق، خالد، فهم القرآن دراسة على ضوء المدرسة السلوكية، ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲ ش، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
۸. حافظ برسی، رجب بن محمد، مشارق انوار الیقین فی اسرار امیر المؤمنین علیه السلام، به تحقیق و تصحیح علی عاشور، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۲ ق.
۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، ۴ و ۶ و ۹ و ۱۰، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التُّراث، ۱۴۰۹ ق.



۱۰. خمینی، سیدروح‌الله، آداب الصلوة (آداب نماز)، چ ۲۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴ ش، به نقل از: پرتال امام خمینی علیه السلام.

۱۱. خمینی، سیدروح‌الله، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۳۱، ۱۳۹۴ ش.

۱۲. خمینی، سیدروح‌الله، شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۲۰، ۱۳۷۸ ش.

۱۳. خمینی، سیدروح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چ ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵ ش.

۱۴. خواجه عبدالله انصاری، عبدالله بن محمد، منازل السائرین (شرح منازل السائرین عبدالرزاق کاشانی)، به تحقیق محسن بیدارفر، به شرح عبدالرزاق القاسانی، چ ۳، قم: شریعت، ۱۴۲۷ ق.

۱۵. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۱۶. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الاخبار و دُرر الآثار فی مناقب ابی الائمه الاطهار، به تحقیق و تصحیح اسماعیل ضیغم، چ ۱، قم: دلیل ما، ۱۴۲۷ ق.

۱۷. رجائی، غلامعلی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (س)، چ ۱، چ ۸، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲ ش.

۱۸. سلیمانی آشتیانی، مهدی و محمدحسین درایتی، مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی، ج ۲، چ ۱، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۷ ش.



۱۹. شعيرى، محمدبن محمدبن حيدر، جامع الاخبار، نجف: مطبعة حيدرية، چ ۱، بى تا.
۲۰. شهيد ثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى جبعى، منية المرید فى ادب المفيد و المستفيد، به تحقيق و تصحيح رضا مختارى، چ ۱، قم: مكتب الإعلام الاسلامى، ۱۴۰۹ق.
۲۱. صدوق (شيخ صدوق)، محمدبن على بن بابويه قمى، امالى الصدوق، چ ۶، تهران: كتابچى، ۱۳۷۶ش.
۲۲. صدوق (شيخ صدوق)، محمدبن على بن بابويه قمى، صفات الشيعة، چ ۱، تهران: اعلمى، ۱۳۶۲ش.
۲۳. صدوق (شيخ صدوق)، محمدبن على بن بابويه قمى، كتاب من لا يحضره الفقيه، به تحقيق و تصحيح على اكبر غفارى، چ ۱، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۳ق.
۲۴. طبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، چ ۴، قم: الشريف الرضى، ۱۴۱۲ق.
۲۵. طوسى، محمدبن حسن، تهذيب الاحكام، به تحقيق و تصحيح سيدحسن موسوى خراسان، چ ۲ و ۵، چ ۴، تهران: دارالكتب الاسلامية، ۱۴۰۷ق.
۲۶. عاملى كفعمى، ابراهيم بن على، البلد الامين، چ ۱، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
۲۷. علم الهدى، على بن حسين موسوى، تنزيه الانبياء، چ ۱، قم: دار الشريف الرضى، ۱۳۷۷ش.
۲۸. على بن ابى طالب عليه السلام، نهج البلاغه، به كوشش محمدبن حسين



- شریف الرضی، به تحقیق و تصحیح صبحی صالح، چ ۱، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن، علم الیقین فی اصول الدین، به تحقیق محسن بیدارفر، ج ۲، چ ۱، قم: بیدار، ۱۴۱۸ق.
۳۰. قاضی نورالله شوشتری، سید نورالله حسینی مرعشی تستری، احقاق الحق وازهاق الباطل، ج ۲، چ ۱، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه، ۱۴۰۹ق، به نقل از: کتابخانه دیجیتال نور.
۳۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه حمیدرضا شیخی، به تحقیق و تصحیح بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چ ۱۱، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، ۱۳۹۵.
۳۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲ و ۳ و ۴، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۸ و ۷ و ۸۴، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۴. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، مصباح الشریعة، ج ۱، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۳۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، صحیفه امام، ج ۱۵ و ۲۰، به نقل از: نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳.
۳۶. نوری طبرسی (محدث نوری)، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲ و ۳ و ۱۲ و ۱۵، چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ق.

